

آنها در این تاریخ عوض مخالفت موافق شده بودند دولت روس بخوبی میتواند از قوای نیرومند تراکمه و از سواران چابک و زبردست آنها استفاده کند و برای قشوی که بخواهند بهرات حمله کند معین و یاور و هادی و پیرو آنها باشد.

در حال در مقابل عدم توجه یا ضعف و نایبگی گرفتاریهای دیگر در سایر نقاط عالم کابینه مستر کلباستون گذاشت روسها هروراً تصرف کنند بعد تا ناحیه پنجپده و بعد تا نقطه گوشک که تا هرات بیش از چند فرسخ نیست اشغال نمودند این بار دیگر نوبت هرات بود که دولت انگلستان جدیدت مینمود شاید بتواند آن نقطه را بهر قیمت شده حفظ کند.

بیداست که انگلیس حافظر مخصوصی بمرور جلگه آن داشتند و هیچ مایل نبودند این قسمت را روسها اشغال کنند هرگاه يك کابینه دیگر بود ممکن نبود بدون جار و جنجال نواحی مرو و اطراف آن بنصت روسها افتد در انگلستان سرو صدائی بلند نشود.

علاقه انگلیسها بمرور خیلی زیاد بود و خیلی هم کوشیدند آنرا حفظ کنند اما اگر این علاقه را در سال ۱۲۴۶ - ۱۸۴۰ شروع میکردند در آن سالی که کاپیتان کونولی عازم آن نواحی شد میتواند نتیجه بگیرد ولی او نتوانست خود را بمرور برساند ولی میان تراکمه رفت و با آنها ایجاد روابط نمود بعد در سال ۱۲۴۸ - ۱۸۴۱ دکتر ولف معروف که شرح حال او در جلد اول گذشت بمرور رفت در سال ۱۲۶۰ - ۱۸۴۴ باز دوم بآن شهر مسافرت نمود این شخص یکی از عمال پر مکر و حيله اداره اطلاعات انگلستان بود.

در سال ۱۲۵۶ - ۱۸۴۰ دو نفر از صاحبمنصبان نظامی انگلیس ابوت^(۱) و شکسپیر^(۲) بمرور رفتند مسافرت شکسپیر و ابوت در آن تاریخ لازم بود چونکه قشون انگلستان و هندوستان، افغانستان را در آن تاریخ اشغال نظامی کرده شاه شجاع را باسم پادشاه افغانستان صاحب تاج و تخت افغانستان نموده بودند و لازم بود که ترکستان نیز در

[1] Abbott

[2] Shakespear

دایره سیاست هندوستان قرار گیرد در سال ۱۸۴۳ یکی از صاحب منصبان انگلیسی موسوم به طاهسن اونیز در مرو بوده ولی شکست قشون انگلیس در افغانستان و هیجان عمومی ملت افغان در این تاریخ سیاست جهانگیری انگلیسها در ممالک آسیای مرکزی خاتمه داد. دیگر تاسی سال کسی از انگلستان جرئت رفتن بآن نواحی را نداشتند تا اینکه مجدداً برای احتراز از خطرات روسها که سیل وار بطرف هندوستان سرازیر میشدند باز این قسمت در نظر سیاسیون لندن و هندوستان اهمیت پیدا نمود در سال ۱۸۷۵ کابیتان بورتابی که شرح حال آن گذشت عازم مرو بود که بزور روسها از خپوه مراجعت نمود در سال ۱۸۸۱ اودونوان که مفصلاً در شرح احوال او قبلاً صحبت شد بمرو رفت و تراکمه را مطیع خود نمود تشکیلات آنها را منظم نمود سوار برای دفاع مرو آماده کرد تمام اسباب آنها را با سم کابینه مستر کلداستون داغ نمود و آنها را بشیعت انگلستان دعوت کرد و اگر توقف کرده بود برای روسها زحمت فوق العاده فراهم می آورد ولی نگذاشتند زیاد توقف بکنند و احضار شد. در سال ۱۳۰۷ - ۱۸۸۹ لرد گرزین معروف بممالک آسیای مرکزی مسافرت نمود کتابی در این باب نوشته فوق العاده جالب توجه و قابل مطالعه است (۱). این هنگامی است که راه آهن بمرو رسیده و از آنجا عبور نموده است در آن شهر تمام اسباب و وسائل راحتی از هر جهت فراهم شده و در مدت قلیلی روسها در آنجا اسباب ترقی و آبادی را آماده نموده اند تجارت رونق گرفته زراعت بواسطه احداث شهرها از رود مرغاب بی اندازه ترقی کرده است محیطیکه مسکن دزدان بشر و راهزنان بی ترس و خوف عوار بود اینک بیک شهر مرفی روسی مبدل شده است. تجار ایرانی، یهودی و ارمنی با کمال امنیت و آسودگی به تجارت مشغولند در چنین موقعی است که لرد گرزین بمرو مسافرت نموده آنجا را سیاحت کرده است شرح مشاهدات خود را یادداشت نموده مخصوصاً در باب مرو متصل مینکارد در این باب مینویسد: «مرو بدون جنگ و نزاع ضمیمه ممالک امپراطوری روس گردید البته موضوع آن در پارلمان انگلستان مورد بحث طولانی شد و کتابهای آبی در این باب بطبع رسید. در این هم شکمی نیست که بعد از تصرف گوی تپه روسها بخیاں تصرف مرو افتادند و معتقد بود

در همان تاریخ مرو را نیز اشغال کنند ولی سردار رشید روس‌ها جنرال اسکوبلفا حاضر گردید و خیلی هم مأیوس و پشیمان شد چرا این اجازه باو داده نشد یا او را آزاد نگذاشتند که مرو را نیز بتصرف درآورد.

علت احضار جنرال اسکوبلفا این بود که دولت روس احتیاط را از دست نداد چونکه افغانستان حاضر نبود و هنوز هم نیست، بروس‌ها سوءظن داشت مخصوصاً برای چندی اشغال آنرا بمقبولداشتند ولی روابط تجارتمی را برقرار نمودند که بهترین وسیله ایجاد آشنائی با سکنه مرو بود و در ضمن آن نواحی را هم بنقشه برداری نمودند این خدمت را هم علیخان اوف با اسم مترجم تاجر بخوبی انجام داد این مسئله همین‌طور در کار عمل بود که دست انگلیسها در مصر بند شد در این موقع فرصت مناسبی بدست عمال روس افتاد همان علی خانوف معروف با مهارت و چابکی اطاعت تراکمه آن نواحی را برای امپراطور روس تحصیل نمود و تمام رؤساء تراکمه مرو قسم یاد نموده تبعیت امپراطور روس را قبول نمودند همینکه این مسئله انجام شد قشون روس بجهت تمام وارد مرو شد دیگر فرصت بمخالفین داده نشد که خود را برای دفاع حاضر کنند و مرو اشغال شده مدالهای زیاد از بطرز بورغ مانند تکرک برای قاتحین باریدن گرفت و مرو جزو قلمرو امپراطوری روس محسوب گردید. همینکه دولت انگلیس مطلع شد اعتراضات بود که شروع شده و مکانبات بین لندن و بطرز بورغ ردوبدل شد و آتش اعتراض سیاسی بشعله خود افزود اما دوام این آتش چندان زمامتج طول نکشید مانند همیشه سیل اعتذار از منابع تمام نشدی رودنو آنرا بزودی خاموش کرد،^(۱)

در این جالردگرزن داخل در شرح وسعت خاک مرو و حاصلخیزی آن شده صحبت میکند و اسناد و مدارک تاریخی را برای گفتار خود شاهد میآورد و از سکنه آن شرحی مینویسد بعد میگوید: «علی خانوف معروف فعلاً حاکم این محل است.» اردگرزن کاغذ سفارشی برای علی خانوف داشت ولی حاکم در آن تاریخ در مرو نبود و غفلتاً حرکت کرده از مرو خارج شده بود گویا موضوع یانگی شدن اسحق خان^(۲)

(۱) کتاب موسوم به روسها در آسیای مرکزی تألیف اردگرزن (ص ۱۱۲).

(۲) اسحق خان از منسوبان نزدیک امیر عبدالرحمن خان بود و بعداً بر او یانگی شد.

در ترکستان افغانستان یا این موضوع ربط داشته باشد در این باب مینویسد: «وقتیکه من بمزور رسیدم مشهور بود که عبدالرحمن خان مرده است و اسحق خان جانشین اوست و حال عازم کابل میباشد و این اخبار صاحب منصبان روس را در این جاها مشوش نموده آنها را بهیچان انداخته بود و بعدها من فهمیدم روسها قشونهای زیاد در مرحدات افغانستان گرد آورده اند من از يك صاحب منصب روسی سؤال نمودم بسیار خوب فرض شود عبدالرحمن خان مرده و اسحق خان امیر کابل شده است این بروس ها چه مربوط است صاحب منصب مزور عاقلی کرده جواب مرا با يك کلمه ساده داد اینکه من اطلاع ندارم»

«بالاخره من بعلاقات علی خانوف موفق شدم جنرال کماروف مرا باو معرفی نمود در ضمن صحبت کماروف برای من شرح داد چگونه دولت روس دشمنان مغلوب شده خود را بمقامات عالی انتخاب کرده از آنها استفاده میکند و علاوه نموده گفت پدر علی خانوف حال مقام جنرالی در قشون روس دارد قبلاً در قفقاز دشمن دولت روس بود و جنگهای زیاد با قشون روس نموده است، این پیش آمد معرکه شد که علی خانوف بگوید بلی برای اینکه انسان در قشون روس جنرال بشود اول لازم است از دشمنی روس شروع کند تا بمقامات عالی برسد»

لرد گرن در این جا شرح حال علی خانوف را مینویسد و میگوید: «عجیب استیاهی درباره علی خانوف در انگلستان شده بود از او تعریف کرده گوید فعلاً در قشون روس سرهنگ کامل است و حکومت مرو را نیز باو سپرده اند و خدمات او را نسبت بروسها شرح میدهد»

بعد لرد گرن از اهمیت مرو مینویسد آنرا دروازه هرات، هرات را دروازه قندهار و قندهار را دروازه هندوستان میدانند.

لرد گرن از رؤساء تراکمه مخصوصاً آنهاستیکه در زمان آمدن او دونوان بمرو اطراف او را گرفته بودند مشروحاً صحبت میکند و به بعضی اسامی آنها اشاره میکند میگوید همانها که در زمان او دونوان اسبهای خود را با دو حرف لاتین V و II یعنی سلطنت، بکتور یا داغ نموده بودند پس از آمدن روسها تماماً بطرف روسها مایل شده

تسلیم آنها کردند (۱)

لرد گرن راجع بر رفتار روس‌ها نسبت به تراکمه مینویسد: « من تعجب میکنم چگونه با این تراکمه مانند برادر رفتار میکنند این رؤساء وحشی که امروزه با ارتش روسها ملبس شده‌اند هشت سال قبل دشمن‌های خطرناک روسها بودند امروز با کمال صداقت دارند بر روسها خدمت میکنند و بارها سفر کرده برای تعظیم و تکریم امپراطوری روس حاضر میشوند.»

در هر صورت کوششهای دولت انگلیس بجائی نرسید، روسها بقول لرد گرن از گرفتاری کابینه گلداستون در مصر و نواحی دیگر استفاده کرده مرورا تصاحب کردند و در نتیجه این عمل قلمرو امپراطوری خودشان را تا گوشک که تقریباً تا چند فرسخی شهر هرات است امتداد دادند. این ضریب اخیر روسها خیلی دردناک بود، در این موقع قریب یکهزار نفر از نظامیان رشید افغانستان در محل پنج ده بخاک هلاکت افتادند (۲)

در شرح حال مستر گلداستون بقلم لرد جان مورلی مینویسیم: «حرکت روسها در افغانستان مستر گلداستون را سخت ناراحت کرده بود. مخصوصاً در آن هنگام که بحضور ملکه انگلستان گزارش میدهد و از گرفتاریهای دولت انگلیس در مصر و سودان اشاره میکند در ضمن مینویسد: روسها در این موقع جرئت کرده با افغانها تعدی میکنند.»

در این موقع دولت انگلیس حاضر شد یازده میلیون لیره از پارلمان اعتبار بگیرد شش میلیون دینار از این مبلغ فقط برای جبران پنج ده بود. در ماه اپریل همانسال نطق مهمی در پارلمان ایراد نموده موضوع سرحدات افغانستان را پیش کشید. در این تاریخ عده زیادی بودند میخواستند اقدامی بشود که

(۱) کتاب لرد گرن موسوم بر روس‌ها در آسیای مرکزی (ص ۱۲۲).

(۲) پروفسور دامبری در کتاب خود موسوم به «جنگ آینده برای هندوستان» مینویسد: «از شنیدن خبر تصرف پنج ده توسط خاندان روس، انگلستان یک پارچه آتش گرفت و همچنان فوق‌العاده در میان عموم طبقات ملت انگلیس برای جبران این واقعه پیدا شد. صفحه ۹۸».

از پیشرفتهای نظامیان روس در ممالک آسیای مرکزی جاوگیری شود و برای همیشه بآن خاتمه دهند. ولی عمر کابینه کلداستون این قدرها دوامی نداشت که در سر کرمالده انتقام واقعه پنج ده را روسها بکشند. در اواخر ماه جون ۱۸۸۵ میلادی برابر سال ۱۳۰۳ هجری قمری کابینه کلداستون سقوط کرد. (۱)

در این تاریخ لرد بیکن از فیلد در گذشته بود (۲) لرد سائز بوری رئیس حزب محافظه کار بود او کابینه را تشکیل داد ولی بیش از چند ماه طول نکشید که ساقط شد باز کلداستون در فوریه سال ۱۸۸۶ مجدداً کابینه آزادی خواهان را سرکار آورده این کابینه نیز دوامی نکرد زود از کار افتاد و لرد سائز بوری کابینه خود را در ماه جولای سال ۱۸۸۶ تشکیل داد و این کابینه تا سال ۱۸۹۲ دوام کرد.

• از سال ۱۸۸۶ تا سال ۱۸۹۲ بازیک دوره جهانگیری کابینه محافظه کار انگلیس در ایران آغاز میگردد. از جمله بازیکران این دوره میرزا علی اصغر خان امین السلطان و سرهنگری دروموند و لطف وزیر مختار انگلیس است. بعبارت دیگر باید گفت دوره میرزا حسین خان سپهسالار تجدید میشود.

[1] The life of w. E. Gladstone . by vise unt john Morley . v01 , 2 . p . 418 - 425 .

[2] Benjamin Disraeli , Earl of beaconsfield .

این شخص که رئیس حزب محافظه کار و رقیب مستر کلداستون بود . در سال ۱۸۸۱ درگذشت و لرد سائز بوری مقام او را دارا شد .

فصل پنجاه و پنجم

اهمیت هرات در نظر دولتین روس و انگلیس

در این تاریخ سیاست دولتین روس و انگلیس در هرات مرکزیت یافت - نظری سابقه - امیر عبدالرحمن - رفتار او با سکنه هرات - برای جدا کردن هرات از ایران دولت انگلیس پنجاه سال رنج برد - روسها پشت دروازه هرات - نوحه خوانی چارلز ماروین - وامبری - گرزن و چارلز ماروین - نقشه تصرف هندوستان - موقعیت هرات برای دفاع از هندوستان - اهمیت هرات در نظر سرهنری هملی - سرفردریک روبرتس - سرچارلز مکگریگور - لرد ناپیر - کلنل ملیسون در باب هرات - خطا به جنرال هملی - روسها دارای نقشه کامل هرات هستند - ماروین از هرات شرح میدهد - کتاب وامبری - وامبری نسبت به انگلستان دلسوزی میکند - وامبری گوید مسلمین بدولت انگلیس راجب هستند - وامبری گوید انگلیسها بدرفتاری با عالم اسلام را از روسها آموخته اند - وامبری با ایران معامله هیزم تری داشته - وامبری گوید منات روسها ترکمن ها را همراه کرده است - وامبری نسبت بانگلستان بیش از هر انگلیسی علاقه نشان میدهد - راه آهن ترکستان - گلداستون برای جنگ با روس از پارلمان اعتبار میگیرد - لرد گرزن در ترکستان روس - شرح مسافرت او - گرزن نقشه روسها را برای تصرف هند شرح میدهد - ملاقات های

گرزن در ترکستان - گرزن راجع بهرات صحبت میکنند - گرزن
گوید پنجاه سال است نویسندگان انگلیس فریاد میزنند و میگویند
هرات را حفظ کنید

در این تاریخ سیاست جهانگیری دولتمن روس و انگلیس در آسیا در هرات
مرکزیت پیدا نمود. دولت انگلیس از اوایل قرن نوزدهم تمام هم خود را مصروف
داشته بود که هرات را از قلمرو شهریار ایران خارج نموده نگاهداری آنرا بعهده
امراء افغانستان واگذار کنند در سر همین یک موضوع بخصوص در سال ۱۸۳۷ کشتی های
جنگی آن دولت در خلیج فارس ظاهر شد محمد شاه را مجبور نمود دست از محاصره
هرات بردارد و آنرا برای همیشه بکامران دیوانه حکمران هرات واگذار کند. در سال
۱۸۵۲ میرزا آقاخان نوری را وادار نمودند برای پادشاه خدمات عمال انگلیس آن کاغذ
مخصوص را برای سید محمدخان ظهیرالدوله نوشته که شهریار ایران کاری بکار هرات
ندارد و اصرار دارد سکه بنام شهریار ایران در هرات زده نشود و در مقابل و مساجد خطبه
بنام پادشاه ایران خوانده نشود.

در سال ۱۸۵۷ دولت انگلیس برای خاطر هرات بدولت ایران اعلام جنگ داد
و در خاتمه این جنگ در موقع بستن عهدنامه پاریس از دولت ایران تمهید گرفت که
در کار هرات دخالت نکند و آن جنگ را برای همیشه از مملکت ایران مجزی بداند
ولی هنوز معاهده مزبور با امضاء طرفین نرسیده بود که شورش معروف هندوستان شروع
گردید و برای چند سال دولت انگلستان و حکومت هندوستان هر دو را مشغول نمود و
دولت ایران نیز وقت خود دانسته هرات را در اختیار خود نگاهداشت و سلطان احمد
خان را بهرات مأمور نمود به حسام السلطنه تعلیمات داد هرات را تخلیه نموده قشون
را برگرداند.

این ترتیب تا سال ۱۸۶۳ - ۱۲۷۹ جاری بود همه ساله سلطان احمد خان در
ظهران حاضر شده فرمان حکومت هرات را گرفته در مقرر حکمرانی خود حاضر میشد.
ولی در سال ۱۸۶۳ دولت انگلیس از همه جا فراغت حاصل نمود و مجدداً متوجه هرات

شد و امیر دوست محمد خان را که متجاوز از بیست سال وظیفه خور داشت بگریختن هرات ترغیب نمود دولت ایران نیز برای حفظ حق حاکمیت خود بحسام السلطنه والی خراسان امر داد از تجاوزات دوست محمد خان بهرات جلوگیری کند او نیز قریب ۱۶ هزار نفر قشون خراسان را حاضر نموده عازم هرات شد انگلیسها در طهران اقدامات نموده استویک معروف را که در سفارت انگلیس در طهران سمت شارژداری داشت بعنوان اصلاح طرفین بخراسان فرستادند و این شیخس از راه خیرخواهی و اظهار دوستی دولت ایران و حسام السلطنه را معطل و مشغول نمود تا اینکه هرات بدست دوست محمد خان افتاد. ولی عمرا و کفاف نداد در هرات مرد و هنوز جسد او در میان بود که اولاد او پناهی جنگ داخلی را بایکدی بگریختند و دولت انگلیس موضوع سیستان را پیش کشیده بدولت ایران اطلاع دادند که حق خود را بزور شمشیر خود نگاهداری کند.

با همه این احوال باز هرات در تحت او امر شهریار قرار گرفت اول یعقوبخان پسر باوقای امیر شیرعلی خان بعدا یوبخان فرزند دوم او که هر دو جوانهای رشید و نسبت بایران وفادار بودند پنج سال دیگر بهمین منوال باقی بود تا اینکه یکمک مادی و معنوی دولت ایران مجدداً امیر شیرعلی خان بامارت افغانستان برقرار گردید. او نیز مانند سایر گذشتگان خود نتوانست در مقابل طلای دولت انگلیس خود داری کند. تسلیم آن دولت شد و مقرری سابق که از حکومت هندوستان میرسید در حق او نیز برقرار گردید و فرزندان رشید او با این سیاست پذیر موافق نشده در هرات ماندند و روابط آنها با پدرشان قطع گردید باز هرات در تحت او امر ایران باقی ماند اما امیر شیرعلی نیز بطوریکه شرح حال او گذشت نتوانست با انگلیسها بسازد و پیشنهادهای آنها را نتوانست قبول کند روابط بین آنها قطع شد و کار بجنگ و نزاع کشید انگلیسها قسمتی از افغانستان را متصرف شدند امیر شیرعلی از کابل رانده شد و در هزار شریف نزدیک شهر قدیم بلخ وفات کرد.

یعقوبخان امیر کابل شد باز هرات نسبت بایران وفادار ماند تا اینکه امیر عبدالرحمن خان را قشون انگلیس بامارت کابل اشغال کردند. در زمان او هرات بدست او افتاد اول باسکنه آن که شیعه مذهب و ایرانی بودند بوفق و مدارا رفتار نمود ولی همینکه

بمساعدت جدی و عملی انگلستان در امارت افغانستان مستقر شد بنای بد سلوکی را گذاشت و سکنه را زجر و شکنجه و آزار بسیار نمود و از آداب و رسوم ایرانی در هرات جلوگیری کرد و چند بار تحریک نمود سکنه شیعه را که ایرانی بودند قتل عام کنند .

تمام تکالیف شیعه را بست و از عزاداری آنها جلوگیری نمود با تمام این احوال باز هرات نسبت بسایر نقاط افغانستان شباهتی نداشت همه چیز آن ایرانی و تمام آداب و رسوم ایرانی در آن جا معمول و برقرار بود .

خلاصه امیر عبدالرحمن خان بامنتهای قساوت قلب سکنه هرات را مجبور نمود از افغانه تقلید کنند و روح ایرانی را محو و آداب و رسوم آنرا بکلی ترک کنند حال تا چه اندازه موفق شده در آتیه معلوم خواهد شد، تصور نمی رود ایرانی ها آنها را فراموش کنند .

در حال دولت انگلیس متجاوز از پنجاه سال زحمت کشید هرات را از ایران مجزی نموده بامیر افغانستان تسلیم کرد اما این بار خطر بس بزرگتری برای هرات پیدا شد آن نزدیکی روسها بود بآن شهر که در چند فرسخی آن روسها قرار گرفتند و بادقت تمام مراقب بودند که وجه زمان فرصت تازه بدست آنها افتاده هرات را هم مانند سایر شهرهای آسیای مرکزی بدست بیاورند .

اینک در این تاریخ (۱۸۸۵) ظهور روسها در پشت دروازه هندوستان غوغائی در انگلستان برپا نمود هیجان عمومی در خارج و در پارلمان انگلیس طوری شد مستر گلدستون را با تمام آن نمایانگانی که نسبت بروسها داشت و ادار نمود برای جلوگیری آنها از نزدیک شدن بهرات ۱۱ میلیون لیره اعتبار جنگ بخواند که ۶ میلیون ونیم آن را برای حفظ سرحدات افغانستان و جنگ با دولت روس تخصیص دهد .

وحشتی که در انگلستان تولید شده بود در این موضوع بود که روسها بزودی بهانه بدست آورده جلگه هرات را بتصرف خود خواهند آورد و ترس این بود که بعد از هرات نقطه قابل توجهی نیست که بشود در آنجا از روسها جلوگیری کرد این است باز جلگه هرات قناعت نکرده قندهار را هم در خطر خواهند انداخت این بود که در انگلستان برای دفاع

هرات و نگاهداری آن علاقه مخصوصی نشان داده میشد.

چارلز ماروین قبل از اینکه پنج دهه بتصرف روسها درآید بهجمله وشتاب کتابی تألیف نموده آنرا موسوم نموده روسها در دروازه هرات « در این کتاب بدجلگه هرات اهمیت فوق العاده داده پروفیسور وامبری کتاب معروف خود را موسوم به جنگ آینه برای تصرف هندوستان، دو ماه بعد از کتاب چارلز ماروین منتشر کرد. در آن کتاب هم اهمیت هرات را بدولت انگلستان گوشزد کرد و پیش بینی نمود هرگاه هرات بتصرف روسها درآید باید بامپراطوری انگلستان در هندوستان خاتمه داد و در این باب پروفیسور مذکور زیاده از حد غلو نمود بموضوع هرات بقدری اهمیت داده شد که لرد گرن معروف حاضر شد خود شخصاً بآن نقاط مسافرت کند و ترکستان دولت روس را مخصوصاً سیاحت کند در نتیجه کتابی در این باب نوشت که در موقع خود بآن اشاره خواهد شد. در واقع هر سه نفر يك نیت داشتند اول پیش بینی خطر روس نسبت به هندوستان دوم اهمیت هرات (۱)

کتاب چارلز ماروین یکمقدمه قبل از سقوط پنجدهه منتشر گردید در مقدمه این کتاب مینویسد من در مدت هشت روز این کتاب را برشته تحریر در آوردم (۲۳ مارس ۱۸۸۵) و علاوه میکند این دنباله آن کتابی است موسوم به « حرکت روسها بطرف هندوستان » که در سال ۱۸۸۲ از طبع خارج شده است.

مؤلف کتاب « روسها در دروازه هرات » در ابتدای کتاب از ورود روسها بسه بندر کراسنودسک واقعه در ساحل شرقی بحر خزر شروع میکند و تاریخ پیشرفتهای عمال سیاسی و نظامی روسها را تا اوایل سال ۱۸۸۵ شرح میدهد و پیش بینی میکند که روسها بمروقتاعت نکرده و بهرات یزدست اندازی خواهند نمود مثل اینکه در این تاریخ بنقطه پنجدهه که جزو خاک هرات است ادعا میکنند و در فصل پنجم تحت عنوان « چگونه هرات دروازه پاکلید هندوستان است » شرحی مفصل مینگارد و گفتار جنرال اسکوبلف فاتح گوی تپه را راجع با اهمیت هرات شاهد میآورد اینکه يك عده قشون اروپائی در هرات

(۱) این ۳ نفر ماروین ، وامبر ، لرد گرن از جمله کسانی بودند که پیش از هر کس در مسائل آسیا وارد بودند .

مقیم باشند و تسوچه آنها بطرف جنوب شرقی باشد توجه تمام سکنه هندوستان را بسوی خود جلب خواهد نمود. این است اهمیت هرات و قتیکه يك قشون جنگه هرات را اشغال کند دسترسی بهمه جا خواهد داشت و بهمین دلیل است که يك عده از نظامیان عالی مقام انگلستان که هندوستان را خوب می‌شناسند این طور اظهار عقیده نمودند: هرگاه قشون يك دولت مقتدری هرات را قبضه کند قشون انگلیس بدون اینکه يك فشنگ خالی کند خود را تقریباً شکست خورده فرض خواهد نمود. (۱)

ماروین علاوه میکند میگوید: این عین بیانات جنرال اسکوبلف معروف است که در سال ۱۸۸۲ راجع به پیشرفت روسها در ممالک آسیای مرکزی اظهار نموده است و این سردار یکی از رجال درجه اول امپراطوری روسیه است که اخیراً نیز بسمت وزارت جنگ بلغارستان انتخاب شده است. هرات یکی از شهرهای بزرگ این نواحی است که بزرگتر از تاشکند میباشد پنجاه هزار سکنه دارد و در میان شهرهای آسیای مرکزی و ایالت خراسان هرات با بناهای خود در ردیف شهر مشهد است دور شهر را حصار کشیده و پای آنرا خندق عمیقی کنده اند. ولی با این حال در مقابل يك قشون اروپائی نمیتواند مقاومت کند در صورتیکه موقعیت نظامی آن فوق العاده مهم است

دور زمان الکساندر دوم امپراطور روس که در آن تاریخ (۱۸۷۸) نقشه حمله هندوستان کشیده شده بود جنرال کرودکوف از هرات عبور نموده و چند روزی در آنجا توقف کرده است ولی در کنگره برلین اختلافات دولتهای روس و انگلیس تا حدی رفع گردید موضوع نیز موقتاً خاتمه یافت.

جنرال اسکوبلف و جنرال کرودکوف هر دو از اهمیت هرات صحبت نموده اند و امروزه اهمیت زیاد بآن میدهند در صورتیکه بعضی از سیاسیون انگلستان برای آن فقط مقام نظامی قائل نیستند.

این سیاسیون در حالی این عقیده را اظهار میدارند که اشخاص مطلع و آگاه بفنون نظامی مانند سرهنگری هملی، سرفردريك رابرتس، سرشارلز مککر مکور، لرد ناپیر و عده از جنرالهای بزرگ انگلستان موقعیت نظامی مهمی بشهر هرات داده اند این نظریات اشخاص بزرگی است که همیشه در صفوف اول برای مملکت انگلستان

جنگ کرده و فداکاری نموده‌اند در مقابل اینها فقط يك عده سیاسيون پر حرف هستند که از اهمیت نظامی هرات نگاهند حال برعهده ملت انگلیس است که فکر خودش را راجع بهرات روشن کرده تصمیم بگیرد فقط باید این تصمیم را زود بگیرد و الا روسها این تصمیم را خواهند گرفت و هرات را هرطور شده قبضه خواهند کرد. (۱)

شارلز ماروین دنباله مطلب را ادامه داده گوید: «در این اواخر هرات يك نفر مورخ قصابی برای خود پیدا نموده آن کلنل ملیسن میباشد. (۲) کتاب این شخص را راجع بهرات باید بدقت مطالعه نمود هم او گوید هرات ایبار غله و باغ پر میوه شرق است و از حیث حاصلخیزی بهترین جلگه است و از حیث قدمت قدیم ترین شهرهای این نواحی است و از مورخین ایرانی شاهد آورده گوید این شهر پنجاه مرتبه خراب و ویران شده پنجاه مرتبه روی خرابه های اولی آباد و معمور شده است.

در شصت و شصت سال قبل (مقصود قبل از زمان مغول) دوازده هزار دکان داشت شش هزار حمام عمومی-کاروانسراها و آسیاب متعدد داشت سیصد و پنجاه مدرسه داشت و یکصد و چهل و چهار هزار خانه مسکونی داشت همه ساله از هر طرف آسیا با آنجا کاروانهای متعدد دررفت و آمد بودند درقلمه مغول ۳۳۰۰۰۰ ازسکنه آن قتل عام شد با این حال باز چندان زمانی نگذشت که هرات دومرتبه آباد گردید.

پس از آنکه کلنل ملیسن این وقایع را شرح میدهد علاوه کرده گوید: اگر بتاریخ گذشته هرات نظر شود دیده خواهد شد درزمانهای قدیم جهانگیران عالم که برای تصرف هندوستان حرکت کرده‌اند بشهر هرات اهمیت مخصوصی دادماند چونکه هرکس که هندوستان را داشته باشد لزوماً میبایست هرات را نیز در تصرف خود

(۱) ایضاً کتاب ماروین صفحه ۹۸.

(2) History of Afghanistan, from the Earliest period to The
Outbreak of The war of 1878. By Col. C. B. Malletson.
London, 1878.

داشته باشد.

هرگاه حکومت هرات با هندوستان باشد حمله بهند غیر ممکن خواهد بود بهمین جهت و دلیل بوده که جهانگیران معروف جهان مانند اسکندر کبیر - سلطان محمود غزنوی و جانشین های او هیچکس چنگیز خان و امیر تیمور و نادر شاه افشار و محمد شاه اول هرات را بتصرف خود در آورده بعد بهندوستان حمله کرده اند فقط یکنفر آنهم محمد شاه در سال ۱۸۳۷ نتوانست بآن دست یابد علت هم این بود که يك صاحب منصب انگلیسی خوب از آن دفاع نمود.

کنل ملیسن گوید شاید خواننده با اهمیت هرات متوجه نشود ولی خوبست بگویم اینکه هرات دروازه هندوستان نامیده شده برای اینست که فقط از جلگه هرات میتوان قسمت قابل تسخیر هندوستان دست یافت امتداد جلگه هرات از شمال بجنوب است طرف شرقی این جلگه را کوه های بلند گرفته که غیر قابل عبور است و طرف غربی آن کویر و صحرای لم بزرع است که عبور از آن فوق العاده سخت و مشکل است. هیچ لشکر مهاجم در صورتیکه انگلستان هرات را داشته باشد نمیتواند از این قسمت عبور کند مادامیکه قشون انگلیس هرات را در دست دارد هیچ دولت مقتدیری نمیتواند بهندوستان حمله کند.

جنرال هملی در نوامبر ۱۸۷۸ در خطابه معروف خود چنین اظهار نمود: «هر گاه انگلستان هرات را در دست داشته باشد و راه عبور و مرور هرات و قندهار را در اختیار خود بگیرد دیگر لازم نیست بفکر راه شرقی که عبارت از راه کابل است باشد.» در همان مجلس سرهبری رالسون نیز حضور داشت در مذاکرات شرکت نموده گفت: «او حاضر است تمام قوای جنگی هندوستان را بکار ببرد و نگذارد روسها بهرات دست یابند.»

شارلز ماروین در دنباله این مطالب گوید: «افئادن هرات بدست روسها این است که راه حمله هند بدست آنها افتاده است و اگر بدست انگلیسها باشد تمام نظریات روسها و قصد آنها برای حمله هندوستان تماماً از بین خواهد رفت و تمام امیدواریهای آنها مهر ل به یأس خواهد شد.»

یکی از مزایای هرات این است ، فشنونیکه در آنجا ساخلو خواهد بود آذوقه تمام آنها را خواهد داد. علاوه بر این معادن سرب - آهن و گوگرد فراوان دارد. هر گاه سکنه آن خوب اداره شود سرباز صحیح برای حکومت آن خواهد بود این است فوائد و محسنات هرات برای دولتیکه آنرا در دست دارد اگر آن دولت دشمن باشد هرات برای آن حکم چشم پینا و خریه برنده هر دو فایده را خواهد داشت بوسیله چشم تمام دربارهای هندوستان را خواهد دید و تمام آن ناراضیها را خواهد شناخت البته با دیدن و شناختن هر فسادى را که بخواهد میتواند اجرا کند . در هندوستان نیز هر دباری و هر بازاری خواهد دانست که در سرحد هندوستان چه کسی نشسته است. دولت درجه اول و دشمن باطنی انگلستان است که همیشه ادعا دارد که سکنه هندوستان را میخواهد از ظلم و تعدی نجات بدهد، و اینکه هرات حکم آره برنده را خواهد داشت این است همینکه يك چنین دولتی مالك جلگه هری رود شد در عرض چند سال بواسطه يك حکومت ملایم و آرام يك جمعیتی را در اختیار خود خواهد داشت که بتواند يك فزون صحیحی تشکیل بدهند و همانها کافی خواهند بود گسه بهندوستان حمله کنند .

علاوه بر تمام این راه هندوستان از این جا است هر گاه هرات بدست دشمنی افتد این راه برای او باز خواهد بود در این صورت برای انگلستان فوق العاده این راه خطرناک است و عبور از آن هیچ اشکال ندارد.

هر گاه هرات بدست يك دولت اروپائی بیفتد آن دولت تمام بازارهای ممالک آسیای مرکزی را در دست خواهد گرفت خلاصه کلام افتادن هرات بدست دولت روس این نتیجه را خواهد داد که انگلستان بکلی از بازارهای تجارتهی ممالک آسیای مرکزی خارج شود . (۱)

ماروین گویند: «روسها نقشه کامل هرات را در دست دارند مخصوصاً در سال ۱۸۷۸ جنرال کروویکوف نقشه صحیحی از آن برداشته است و از استعمکامات آن بخوبی مطلع هستند .» بعد علاوه کرده گویند: «از صاحب منصبان انگلیسی نیز از اوایل قرن نوزدهم

باین شهر آمده‌اند، در سال ۱۸۵۹ کرسی^(۱) وارد این شهر شده سکنه آنرا یکصد هزار نفر تخمین زده است. الکساندر برنس و شکسپیر نیز در این شهر بوده‌اند. کونولی در سال های ۱۸۲۸ تا سال ۱۸۳۰ باین شهر آمد و ششادشته سکنه هرات در زمان او ۶۵ هزار نفر بوده پاتنجر معروف که شهر هرات را در مقابل قشون محمدشاه حفظ نمود در سالهای ۱۸۳۷ و ۱۸۳۸ در هرات بوده. فریزر معروف در سال ۱۸۴۵ از هرات عبور نموده پولوک نیز در سال ۱۸۶۵ در هرات بوده در هرات از انگلیسیها نیز در تمام این مدت بهرات رفت و آمد داشتند و از اوضاع و احوال آن آگاه بودند فعلا هرات و قندهار این دو شهر است که در وسط متصرفات انگلستان و روسیه واقع شده است. ماروین بسال ۱۸۳۷ آن سالیکه محمد شاه بقصد تسخیر هرات حرکت کس کرده بود اشاره میکند میگوید: «اسم هرات برای اغلب انگلیسیها آشنا است همیشه در خاطر دارند که صاحب منصب جوان انگلیسی الدرد پاتنجر در مقابل قشون محمدشاه ده ماه آنرا حفظ نمود در آن سال شهریار ایران چهل هزار نفر قشون در اطراف هرات داشت و این جوان مردانه از آن شهر نگاهداری کرد و نگذاشت بدست ایرانیها فتح شود.»

ماروین باز دیاله مطلب را گرفته گوید: در سال ۱۸۸۱ تصور نمیشد که روسها بتوانند از این راه خود را به هندوستان برسانند، و این عقیده در انگلستان وجود داشت من در همان اوقات بر ضد این عقیده اظهار نظر نموده تشریح کردم که در سال ۱۸۳۷ محمد شاه با ۳۵ هزار نفر لشکر دو عراده توپ خود را از این راه بهرات رسانید. در سال ۱۸۸۰ ایوبخان باسی هزار نفر قشون وسی عراده توپ از هرات بقندهار آمد و از رود سند تا قندهار همین میزانها قشون انگلیس باتوبهای سنگین چندین بار آمده است. در این راه هیچ نوع موانع طبیعی وجود ندارد در این صورت قشون روس از ساحل شرقی بحر خزر تا هندوستان بدون اینکه بموانع طبیعی برخورد بکنند میتوانند بیایند. اینکه

(۲) Christie کرسی در قشون ایران بود و در جنگه های قفقاز نیز در کتاب میاس میرزا جنگه می‌کرد و در جنگه املاندوز گفته شد رجوع شود به جلد اول تاریخ روابط سیاسی.

سیاسیون انگلیس به وجود کوه‌های بلند و غیر قابل عبور اشاره کرده و می‌کنند هیچ وجود خارجی ندارد .

در سال ۱۸۵۶ دولت ایران از همین راه عبور کرده هرات را منحرف شد دولت انگلیس محض حفظ هرات حاضر شد با دولت ایران داخل جنگ شود و جنگ هم شروع گردید تا اینکه دولت ایران حاضر شد هرات را تخلیه کند .

تعجب این جاست که در سال ۱۸۷۹ لرد لیتون حاضر شد مجدداً هرات را بدولت ایران واگذار کند و آنرا از کابل مجزا کند عجب نظری مطالعه بوده خیلی مضحک است انسان هوش را و آداب گوشت سهمی گربه را در مقابل سنگ حفظ کند. (۱)

برای اینکه هرات کاملاً از تجاوزات روسها حفظ شود ماروین از استحضکامات آن صحبت میکند میگوید . «استحضکامات هرات به تصدیق اهل خیره امروزه محکم نیست مبلغ زیادی لازم است که سنگر های آنرا محکم کنند بهتر است صاحب منصبانی که همراه جنرال لوهمزدن هستند آنها را محکم کنند که روسها نتوانند بآن دست یابند و تا هرات سنگر بندی حساسی نشده نمیتوان گفت هرات کلید هندوستان است .

عده از صاحب منصبان انگلستان و همچنین روسیه عقیده دارند که هرات کلید هندوستان است آیا تصور میکنید این اشخاص بدون مطالعه این نظر را اظهار میدارند هم جنرال های انگلستان و هم جنرالهای روسیه تماماً با اهمیت هرات متوجه شده اند نه تنها برای شهر هرات بلکه جلگه هرات و بواسطه نتایجی که داراست . آرزو که آن میتواند یکصد هزار نفر فزون نگاهداری کند جلگه آن اردوگاه بی نظیری است . همین اردوگاه بودن آن اسم کلید هندوستان را بآن داده است .

از هرات يك خط فرضی تافراه که یکصد میل راه است خط دیگری بطرف غرب تا کوهستان که هفتاد میل است بسرحد ایران متصل میشود . و خط سوم بطرف شمال یکصد و بیست میل است که بتصرفات روسها میرسد يك چنین جلگه وسیع قابل کشت و زرعی مانند خاک انگلستان است و بهترین نقطه است که دارای منابع طبیعی حیرت

انگیز دارد اینجا میتواند يك اردوگاه حساي بشود و ميتواند قشون حساي از آن
برخيزد بهمين دليل است كه روسها ميتوانند با نجا دست انداخته هندوستان را از
آنجا نهديد كنند. در هيچ جاي اين قسمت ها چنين جلگه وجود ندارد نه بين بحر خزر
تا هرات، نه بين هرات تا هندوستان چنين محلي مناسبى ميتوان بدست آورد .

ماروین گوید کنتل مگگریکور در سال ۱۸۷۵ مأمور این نواحی بوده خراسان
و نواحی اطراف آنرا بدقت مطالعه نموده است راجع بهرات مینویسد: «چرا شهر و جلگه
هرات را کلید هندوستان نامیده اند؟ چونکه اینجا نقطه ای هست که قشون مهاجم بطرف
هندوستان توقف کرده نفس تازه میکند قشون آن در این جلگه استراحت کرده در آب و
هوای آن تجدید قوا میکند آنوقت خود را تجدید میکند چونکه حاصلخیزترین نقاط
آسیاست بهترین نقطه اینجا است از حیث ملاحظات نظامی چونکه در چهار راه آسیا واقع
شده بپهمجادست رسی دارد قلاع آن محکمترین قلاع است که از بحر خزر تا رود سند
موجود میباشد آب و هوای آن بهترین آب هوای آسیاست حاصلخیزی آن قشونهای معظمی
را میتواند نگاهداری کند محصول آن بقدری است که میتوان همچنین قشون دفاع و قشون
حمله هر دو را آنوقت دهد. هرگاه روسها بهرات دست یابند بانهایت آسانی میتوانند هندوستان
را تهدید کنند و در این صورت دولت انگلیس را مجبور خواهند نمود که یکمده قشون
مقتابیی برای حفظ هندوستان حاضر داشته باشد و از این جا روسها میتوانند تخم نفاق
و عدم اطاعت را در هندوستان آبیاری کنند و هم وقتیکه روسها در هرات استقرار یافتند
ایران و افغانستان هر دو دولت را از انگلستان جدا خواهند نمود و تمام قوای نظامی
آنها را بر له خود و بر علیه ما بکار خواهند انداخت .»

ماروین در این کتاب دولت انگلستان را بنظرات روسها منوجه نموده میگوید:
«حال پس از این همه ایراد دلایل اینک روسها بحدود هرات که کلید هندوستان است
تخطی نموده اند.

نقطه آق رباط و پل خشتی که روسها بتصرف خود در آورده اند جزو منصرفات
کلید هندوستان است جلگه پنج ده را که حالیه ادعا دارند خاک هرات است اینک
روسیا نزدیک شده در اطراف آن نشسته اند درست در همان اردوگاه که من مکرر

از آن صحبت کرده‌ام از دو زده‌مانند آیا باید روسها تا این جاها را متصرف شوند؟ این است که باید انگلستان این مسئله را باید حل کند. هر گاه روسها در این نقاط توقف کنند شکی نیست که علی‌خانوف‌ها و کماروف‌ها راحت نخواهند نشست.

وکلید هندوستان را بدست خواهند گرفت خال نیز بدون تحريك يا علت و دليل روسها بخاك هرات دست‌اندازی نموده‌اند. در این صورت دولت انگلستان محقق است از اینکه از روسها بخواهد خاك هرات را تحلیه کنند. روسها متعذرند که اقدامات آنها برای ایجاد يك سرحد طبیعی و عملی است حال بهتر است که در این موضوع ما قدری دقت کنیم.

در نزدیکی سرخس واقعه در کنار هری‌رود يك قطعه زمین قابل زراعت است این قطعه بواسطه يك قسمت زمین دیگری است که تا محل ذوالفقار امتداد دارد در قسمت زود مرغاب نیز يك قسمت زمین لم‌بزرعی است که خاك مرو را از خاك بتجدد جدا می‌سازد اینك منطقه سرخس و منطقه مرو که گفته شد سرحد محکم و مناسبی است که از سرحد عشق آباد تا خواجه صالح واقعه در ساحل رود جیحون خط سرحدی است که خود روسها قبول نموده‌اند اینك بر عهده دولت انگلیس است روسها را مجبور کند این خط را خط سرحدی قرار بدهند^(۱)

در سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۵ موقعی که انگلستان برای خود گرفتاری تهیه دیده بود روسها فرصت خوبی بدست آوردند در این مدت پنج سال دوره زماندازی مستر کلدستون کابینه پترزبورگ موقع خوبی بدست آورد تقریباً از ساحل شرقی بحر خزر تا پشت دروازه هرات را مالک شد و قتی که انگلیسها از کبرودار افریقا تا اندازه آزاد شدند، متوجه آسیا شده دیدند بطور کلی روسها تمام موانع طبیعی و غیر طبیعی را از پیش برداشته‌اند بجائی رسیده‌اند که برای انگلیسها هیچ چاره نیست جز اینکه با روسها از درستی درآیند.

تا این تاریخ حقیقه انگلیسها این بود که در سر راه روسها از بحر خزر تا هرات

موانع زیادی در پیش است حتی تصور میشد کوهپایه‌های در سر راه واقع است که ارتفاع آنها از ۱۵ هزار الی به بیست هزار پا میرسد ولی پس از آنکه لئور مهندس معروف روسها این نواحی را مساحی نمود معلوم گردید ارتفاع آن کوهپایه‌ها موهوم بیش از نهد پانست.

همینکه این مسئله دانسته شد دیگر وحشت انگلیسها را حد و اندازه نبود بعجله تمام مأمورین عالی رتبه مانند سر پتر لومزدن و عده صاحب منصبان مجرب و مطلع بمحل های فوق الذکر روانه نمودند و امیر عبدالرحمن خان را به هندوستان دعوت نموده پول و اسلحه بقدریکه میتوانستند باو دادند ولی طوریکه قبلاً گذشت روسها موضوع را خوب نمیزداده در ۳۰ مارس ۱۸۸۵ پنج ده را نیز پس از اینکه يك تلفات نظامی یافغانها وارد آوردند آنجا را تا دامنه تپه‌های شمال هرات مالک شدند. (۱)

در این تاریخ برای نجات هرات از جنگ روسها عده زیادی بودند که دولت انگلستان را محرک میشوید که در سر قضاایای هرات با روسها داخل جنگ شود مخصوصاً ماروین وعده از رجال دیگر انگلیس ، ماروین که در این باب مینویسد :
 « حال بهتر و اسلح است که دولت انگلیس با روسها داخل جنگ شده روسها را از خاک هرات بیرون کند امروز (۱۸۸۵) دولت روس فریب ده هزار نفر نظامی در آن صفحات وارد کرده هرگاه امروز جنگ را تسویج نکند سال دیگر عده نظامیان روس بعد هزار نفر بالغ خواهد گردید ما که باید امسال یا سال دیگر در این نواحی با روسها داخل جنگ شویم چه مانع دارد که حال آن جنگ را شروع نکنیم و بگذاریم روسها در آن قسمتها دارای قدرت و استعداد شده ما را از هندوستان فراری دهند. » (۲)

پیداست که در این تاریخ در سر موضوع هرات در انگلستان هنگامه بر پا

(۱) مرحوم میرزا علی خان ناظم العلوم در سال ۱۲۷۳ کتابی نوشته موسوم به تاریخ هرات در این کتاب اسم کوه را که در شمال هرات واقع است کوه بابا مینویسد در نقشه انگلیسها با اسم کوه پاروپامپوس مینامند Paropamius

(۲) ماروین ص ۱۴۲

بود و به نقطه حرّات اهمیت فوق‌العاده داده میشد چراید مهم‌انگستان هریات مأمورین مخصوص بهرات اعزام داشتند و هر روز در روزنامه‌های یومیه مقالات مفصل راجع بموقعیت حرّات درج میشد و در این زمان هیجان غریبی ایجاد شده بود.

در این تاریخ از اشخاص مطلع که داخل در این موضوع شده کتابی نوشته است؛ پروفیسور و امبری معروف است که در ارایل این کتاب اشاره شد که در لباس فقر و درویشی بتوان اینک بزیارت قبر اولیاءالله که در ترکستان مدفون هستند میرود باین ممالک سفر کرده بود و از اوضاع واحوال سکنه آن نواحی اطلاع کامل داشت و این قسمت ها را خود بعین مشاهده نموده بود در این تاریخ نیز با اشاره و یا اینکه علاقه مخصوص داشته کتابی نوشته است موسوم به جنگ آینده برای تصرف هندوستان. (۱)

این کتاب نیز در اواسط سال ۱۸۸۵ در لندن بطبع رسید در حقیقت میتوان گفت باعث تألیف این کتاب همان اهمیت و موقعیت حرّات است او نیز شرح مفصلی راجع باهمیت حرّات مینویسد که ناچار باید مختصر اشاره بدان بشود.

انتشار این کتاب بعد از افتادن پنجمه بدست روسها است پروفیسور فوق‌الذکر در این کتاب میرساند که روسها به حرّات هم‌قناعت نخواهند کرد قصد آنها رفتن بپندوستان است و بملت انگلیس توصیه میکند که کابینه لندن مرکب از اشخاص ابله و بی اطلاع است آنها هم نمیدانند نفوذ روسها در آن نواحی تا کجاها رسیده است حرّات هم که محل مهم و معتبری است اگر بدست روسها افتد دیگر باید انگلیسها خود بخود از هندوستان خارج شوند و بملت انگلیس راهنمایی میکنند که دست روسها را از آن نواحی کوتاه کنند.

حال بکتاب خود او مراجعه میکنیم: تحقیقات پروفیسور و امبری راجع بهرات فوق‌العاده زیاد است پروفیسور مذکور سوانح و اتفاقات تاریخی را در باب حرّات مفصلاً در کتاب خود مینویسد بعد در یک فصل مخصوصی نیت روسها را راجع بهرات مینگارد و در دنباله آن در فصل دیگر از اهمیت حرّات بحث میکند و با انگلیسها تذکر میدهد مبادا

(1) The Coming Struggle India.

بگذارند روسها بهرات دست یابند.

در فصل هشتم کتاب خود که دنباله مطلب فوق است وسائل و اسباب بهانه روسها را برای تصرف هرات شرح میدهد میگوید هیچکس باور ندارد که روسها در نقطه پنجمه و بل خاتون توقف کنند دیر یا زود بهرات حمله خواهند نمود چون در مجاورت قبایل چهار اویماق واقع شده اند دیر یا زود بهانه بدست آورده یا آنها که عبارت از طوایف جمشیدی هزاره و فیروزگوهی و غیره باشد از درستی و عناد داخل خواهند شد اگر هیچ يك از اینها نشود صاحب منصبان ناراحت روسها که مدام در دنبال ترقی هستند و مطالب مدالهای افتخار و اعتبار و رشادت میباشند آنها باعث خواهند شد که بین افغان و روس اختلافات تولید شده یا واقعه اخیر پنجمه این فتنه هرگز نخواهد خوابید هر قدر هم امپراطور روس اطمینان بدهد که بحدود هرات تجاوز نخواهد شد قابل اعتماد نمیباشد و این خیال روسها که عبارت از تصرف هرات است راحت نخواهند شد مگر اینکه آن شهر بتصرف نظامیان روس درآید. (۱)

پروفسور دردنباله همین مطلب علاوه میکند: «دوایر سیاسی انگلستان چنین تصور میکنند که کابینه پترزبورغ راضی نخواهد بود هرات یا بدست دولت ایران سپرده شود و با اینکه با میر ایوبخان بدهند، من بهیچیک از این دو اعتماد ندارم نگاهداری ایوبخان که در طهران يك دشمن جانی عبدالرحمنخان است برای این است که بکوفتی در افغانستان اغتشاش رخ بدهد آنوقت او را رها نموده با افغانستان بفرستد که آنجا را برهم زند. ولی روسها باین سیاست خود را آشنا نمیکنند قصد آنها همیشه این است که خودشان متصرف شده اداره کنند نه بادست اشخاص ثالث و قصد آنها این است هرات را بدست آورند و با رام آهن ماوراء خزر آنرا متصل کنند و آنجا را مرکز تجارت قرار بدهند و مهمات جنگی را نیز در آنجا تمرکز بدهند چگونه امروز تفلیس مرکز مهم قفقاز شده هرات نیز مرکز مهم خراسان خواهد شد. در صورتیکه در قفقاز شیخ شامل بود سالها روسها را مشغول داشت ولی در هرات چنین کسی وجود ندارد و گرفتار و نگاهداشتن آن برای روسها بعراتب سهلتر

خواهد بود.

هنوز اهمیت هرات آنطوریکه هست درك نشده است با افتادن هرات بدست دولت امپراطور روسیه مالك تمام آن نواحی خواهد شد که تا رود جیحون امتد است تا تنها نقاط میمنه و آندخوی بلکه محل‌های کندز - آقچه - سرپل و شبرکان حتی تمام ترکستان - افغانستان .. البته سکنه این نواحی چندان دلبستگی بسافانها ندارند و نفوذ و قدرت امیر افغانستان هنوز در این جاها محکم نشده همینکه روسها صاحب هرات شدند تمام این طوایف و قبائل بطرف روسها متمایل خواهند شد چونکه آنها چنین وانمود خواهند کرد که فرشتا صلح و منبع رحم و مروت هستند. بالاتر از همدان موضوع تجارت است همینکه روسها ببرات دست یافتند آنرا با سایر مستملکات خودشان در آسیا مربوط خواهند نمود.

سیاحان دقیق که باین ممالک مسافرت نموده‌اند میدانند و بچشم خود دیده‌اند چگونه روسها بواسطه کمپانی قفقاز هر کوری تجارت خودشانرا در این سنوات اخیر در این ممالک رواج داده‌اند زمانیکه خود من (وامبری) در این ممالک مسافرت میکردم بچشم خود دیدم بازارهای شاهرود - یشابور - مشهد حتی هرات از امتداد روسها معلوم بود تقریباً تمام تجارت دست عمال روس بود پس از افتادن هرات بدست روسها دیگر رقابت انگلیسها در ایران و افغانستان موضوع نخواهد داشت و یسک کوشش بی - فایده است. (۱)

پرفسور وامبری پس از شرح مفصلي از اقدامات روسها در ترکستان رقصد آنها برای تصرف هرات و بسط نفوذ و قدرت در ایران و افغانستان از وسائل دفاع انگلیسها سخن میراند میگوید: «حال بدترین پیش‌آمدی برای انگلیسها روی آورده است و مجبوراً باید خودرا تسلیم این پیش‌آمد کند و خود را بدست مقدرات بسپارد. بعد سؤال میکند.

«آیا باید بروسها اجازه داد پیش بیایند طوری که تا حال پیش‌آمده‌اند ؟ روسها بواسطه رضایت و عدم علاقه سیاسیون انگلیس جسور شده به تجاوزات خود ادامه میدهند آیا

آنها را باید آزاد گذاشت؟ یا اینکه تغییراتی در سیاست انگلیس داده خواهند شد بحکم اجبار از آنها جلوگیری کنند؟ بعد میگوید: «هر شخص وطن پرست انگلیس با این عقیده همراه است که جسارت روسها بواسطه تبطل سیاستمداران انگلیس است که خطر روس را بطرف هندوستان جدی تلقی نکرده اند، حال موقع آن رسیده است که میسیون انگلیس با جرئت تمام در مقابل این خطر ایستادگی کنند. دیگر در مقابل روسها تسلیم نشوند، حتی یا نه قدم هم راضی نشوند عقب بکشند صاف و پوست کنده بروسها بگویند بایست! تا آنجا که آمده کافی است، و اجازه داده نمیشود یک قدم دیگر بطرف جلو حرکت کنی.»

تا حال میبایست تمام فرق در انگلستان فهمیده باشند که نیت روسها نسبت به هندوستان چیست، همیشه آنها نیت سوء داشته اند تمام حرفهای آنها و ادعای آنها برای سعادت بشر و خیر خواهی عالم انانیت و خدمت آنها برای تمدن تماماً از شمار حیل و تزویر است و خالی از معنی و عاری از حقیقت است و تمام وعدههای آنها برای همکاری و نشر تمدن در آسیا دروغ صرف است. و اینکه میگویند آسیا باید بین دو تن روس و انگلیس تقسیم گردد برای گول زدن است، در واقع اسباب تأسف است که بواسطه گول خوردن میسیون انگلیس روسها تشویق شده برای خود منافعی دست آورده اند که در تمام دنیا بی نظیر است و این مقام روسها اسباب زیان و خطر برای انگلستان است.»

در اینجا پروفیسور و امبری بوسائل روسها اشاره نموده گوید: «روسها بهترین راهپای حمل و نقل را برای خود تهیه نموده اند از مرکز امپراطوری روس تا پشت دروازه هندوستان اسباب و وسائل حمل و نقل آنها منظم است و قوای آنها را بسهولت میتواند به هندوستان برساند. قشون حاضر اسلح قفقاز از یکصد و بیست هزارالی یکصد و پنجاه هزار نفر است.»

علاوه بر این از قشونهای ادسا نیز میتواند استفاده کند از ادسا باطلوم یکروز از باطلوم بیاد کوبه در عرض ۱۸ ساعت از راه دریا بیندر میکاپولسک در مدت ۲۴ ساعت از آنجا بوسیله راه آهن عنقریب با تمام خواهد رسید بعشق آباد به سرخس که تمام آنها

در مدت شش روز قشون روس از ادسا برخس خواهد رسید دیگر تا هرات چیزی نیست اما قشون انگلیس این طور نیست مدت‌ها طول خواهد کشید که بهرات برسد اگر بدولت انگلیس اجازه داده شود در مدت دو سال میتواند راه آهن خود را تا نقطه پشمین امتداد دهد تازه چهارصد و هفتاد میل دیگر راه دارد تا بهرات برسد. علاوه بر این قشون روس از سرخس تا هرات از راه آباد و معمور حرکت خواهد نمود در صورتیکه قشون انگلیس این ۴۲۰ میل را از بیابان بی آب و علف باید عبور کند و از میان سکنه که مناسبات آنها ممکن است حسنه نباشد. خلاصه روسها از اتتهای راه آهن خودشان تا هرات در مدت ۸ ساعه روز طی خواهند نمود ولی برای رسیدن قشون انگلستان بهرات اقل ۳۷ روز طول خواهد کشید.

حال دولت انگلستان باید مشکلات آتیه خود را در روز روشن با روسها در نقطه هرات در نظر بگیرد. با مقامی که روسها در پنجاه برای خود گرفته‌اند يك تهدید بزرگی است در آتیه برای انگلستان حتی دوستی یا بی طرفی افغانها هم با نزدیک بودن روسها محل تردید است.

سیاسیون انگلیس مملکت افغانستان را بین متصرفات انگلستان و روس يك مملکت پوشالی فرض نموده‌اند که بین آنها فاصله باشد من همیشه باین نوع سیاستها با نظر تسخیر نگاه کرده‌ام من هیچوقت با اتحاد و دوستی افغانها ایمان نداشته‌ام حال نیز این عقیده را دارم. تا افغانها گرفتار. خطرات بزرگ نشده‌اند هرگز حاضر نخواهند شد با طرف سلسله جبال سلیمان^(۱) متوجه شده از انگلستان کمک بخواهند من هرگز يك چنین ملت متعصب کوهستانی امیدوار نشویم شد. از آنجائی که ملت افغانستان جاهل و يك عنصر غیر قابل اداره کردن است و باز حمت فوق العاده میتوان آنها را با اتحاد و یگانگی دعوت نمود.

فعلا امیر عبدالرحمن خان در رأس آنها فرار گرفته چون این شخص از اوضاع واحوال فعلی سیاست این نواحی مطلع است و روسها را هم خوب می‌شناسد و بهقات آنها کاملا آشنا است و میدانند روسها طماع - بی ایمان و خود سر هستند ناچار حاضر

(۱) این رشته که بین متصرفات هندوستان انگلیس و افغانستان واقع شده.

خواهد بود انگلیسها را بروسها ترجیح دهد ولو اینکه يك قطعه مملکت اوهم در این میان ازین برود.

حال اگر اعتمادی بامیر عبدالرحمن خان پیدا شود لازم میآید با او کنار آمده خط آهن که تا بنده ممتد شده آنرا تا قندهار امتداد دهند و خط تلگرافی را نیز تا خود هرات بکشند. برای اینکه به تعصب افغانها دوچار نشویم بهتر است خط آهن در خارج شهر قندهار فرار داده شود و يك عده نظامی آنرا حفاظت کند.

اما راجع بهرات: استحکامات آنرا نمیتوان بعهده افغان واگذار نمود بهتر است سنگرهای آن بدست مهندسين انگلستان ساخته شود. نماینده انگلیس که در آن شهر مقیم خواهد شد باید يك عده نظامی حسابی در اختیار او باشد يك فوج سپاهی هندوستان يك عده سواره نظام بومی ترتیب داده شود و يك باطری توپخانه یا مهمات یا تمام وسائل دیگر در آنجا حاضر باشد. فقط باین وسیله میتوان هرات را حفظ نمود که نظیر واقعه پنج ده رخ نهد.

مجاورت روسها در سرحدات هندوستان لازم دارد اینکه قندهار تحت نظر انگلستان قرار بگیرد هر گاه کابینه آزادی طلب مستر کلداسون آن اشتباه را نکرده بود و قندهار را از قشون انگلیس تخلیه نمیکرد امروز گرفتار این پیش آمد نمی شد.

در آن تاریخ امیر عبدالرحمن يك مرد فقیر بی بضاعت بود دولت انگلیس او را در امارت کابل برقرار نمود در همان تاریخ حاضر بود قندهار را ترك کند و بانگلیسها واگذار کند ولی حال آن فرصت فوت شده شاید در این موقع حاضر نباشد قندهار بدست انگلیس افتد امروزه نیز صلاح در اشغال قندهار است امیر حاضر نخواهد بود برای قندهار با انگلستان جنگ کند. حتی این ترس را هم ندارم از اینکه امیر بروسها ملحق شده یقیناً اگر چنین خیالی داشته باشد حتماً پیش آمدهائی که برای عمومی او امیر شیرعلی در این سنوات اخیر روی داد در مقابل چشم او مجسم خواهد شد. من هیچ تردید ندارم که اقامت ۱۲ ساله امیر عبدالرحمن خان در ترکستان

روس او را باخلاق ناپسند روسها و صفات رذیله آنها آشنا کرده است. هرگاه چنین نبود بدون تردید حال مدتها بود که به روسها ملحق شده بود و یا بدام دسایس آنها گرفتار میشد، و دعوت فرمانفرمای هندوستان را قبول نمیکرد که به هندوستان برود و در نقطه پنجم هم با روسها و علی خانوف نمی‌جنگید، (۱)

دلسوزی پروفیسور وامبری برای انگلستان در این موقع بیش از دلسوزی و علاقمندی هر انگلیسی است و در این باب پروفیسور مذکور بقدری سیاسیون انگلیس را توییح و ملامت نموده است که خارج از تراکت بنظر می‌آید پروفیسور وامبری بآنها توصیه میکند بهیچ وجه ملاحظه امیر عبدالرحمن را نکرده گفتار خود را خلاصه کرده گویند: «اینک تمام وسائلیکه برای دفاع در دسترس انگلستان است خلاصه کرده میگویم سیاستیکه تا حال با افغانستان داشته باید کاملاً عوض شود. دیگر فرصت این نیست که بار دیگر آزمایش کنیم این دیگر امتحان لازم ندارد دوستی انگلیس را با همراهی افغانستان بار دیگر بیازمائیم این فکر را باید از سر خود دور کنیم هرگاه امیر منافع خود را تمیز ندهد تقصیر ما نیست ما دیگر نمیتوانیم او را دوست خود فرض نموده دفاع هندوستان را از او انتظار داشته باشیم. خواستن همراهی و مساعدت از سکنه آسیا مخصوصاً آسیائیهای مسلمان مزبور بزمان گذشته است حال دیگر مورد ندارد آن دولت روس است که میتواند بخود اجازه داده این نوع مساعدتها را از آنها بخواهد فقط دولت روس طالب این متاع است نه انگلستان دولت روسه پیدا کند چطور همسایه آسیائی خود را اسیر کند و نفوذ آنرا از زمین ببرد و آنرا بکلی فلج کند برعکس انگلستان که هیچ نمیداند با دوستان شرقی و آسیائی خود چگونه رفتار کند غالباً در مناسبات خود با ممالک اسلامی آسیای مرکزی دوچار اشتباهات شده است در پول دادن دست باز داشته مساعدتهای مالی زیاد نموده است بآنها اسلحه زیاد داده است غافل از اینکه پول اسلحه بی‌عاید او بکار خواهد رفت.

کسی نیست بپرسد برای چه سالبانه یکمصد و بیست هزار لیره با امیر عبدالرحمن

خان داده میشود؟ هنوز امیر توانسته است نمایندگی دولت انگلیس را در کابل قبول کند بعد از اینکه او نمیتواند تأمین جانی او را بعهده بگیرد بهتر است دولت انگلستان بهیچوجه با او روابط نداشته باشد مگر اینکه بوسیله نماینده مقیم خود، مثل اینکه در پایتختهای سایر ممالک آسیائی نمایندگی دارد بدوستی دولتی نمیتوان اطمینان نمود مگر اینکه نماینده سیاسی ما را در پایتخت خود بپذیرد. (۱)

خلاصه پروفیسور وامبری با حرارت تراز یک انگلیسی پر حرارت انگلستان را برای دفاع هندوستان از خطر روسها آگاه میسازد و آنها را میترساند و اصرار میکند که دولت انگلستان هرات و قندهار را در تصرف خود داشته باشد و الا روسها هرات را مالک شده قندهار را نیز تهدید خواهند نمود. وقتی که روسها وارد هرات شدند دیگر راه آنها تا دروازه هندوستان باز است و کسی نمیتواند جلوگیری کند آنوقت است که باید خود انگلیسها هندوستان را ترک گویند.

بنظر نگارنده مطالعه کتاب پروفیسور وامبری خیلی مهم و قابل توجه میباشد من عقیدم دارم مندرجات آن کپنه نشد و موضوع آن نیز ازین لرفته است دیر بازود این مسائل بار دیگر تجدید خواهند شد تا روسها در آسیا هستند این خطر برای هندوستان خواب و خیال و یا افسانه نیست مگر اینکه انگلستان نقشه معلوم و معینی در پیش داشته باشد که روسها را بکلی از آسیا بیرون کرده خیال خود را از شر آنها راحت کند و الا طولی نخواهد کشید که بساط هر چه و مرج بالشوینم در آن مملکت بر چیده شده جای آنرا یک حکومت تقریباً شبیه به حکومتهای دیگر ممالک اروپا تشکیل خواهد داد مجدداً سیاست قدیم دولت تساری در مجرای اصلی خود سیر خواهد کرد بار دیگر خواهیم دید که رقابت در این در قاره آسیا مثل زمانهای پیش شروع شده است.

قبل از اینکه کتاب پروفیسور وامبری را کنار بگذارم بیکی از وسائل دفاع هندوستان نیز که پروفیسور مذکور جزو سایر وسایل دفاع اسم میبرد اشاره میکنیم. آن عبارت از عالم اسلامی است در این باب چنین مینویسد: «یکی از وسائل دفاع در مقابل تجاوزات دولت روس نسبت به هندوستان بطور کلی عالم اسلامی است. دولت انگلستان میبایست

برگردد سیاست دیرینه خود که در چند سال قبل آنرا تعقیب مینمود آن سیاست عبارت از مقامی بود که دولت انگلستان در میان ممالک اسلامی آنرا احراز کرده بود متأسفانه بواسطه خود بری عده از سیاستورن بی اطلاع و شور انگیز خود آنرا از دست داده الحاق باید گفت ترك آن سیاست يك عمل احمقانه بود آن همان سیاست بود که در هندوستان بخت و پناه حکومت انگلیس بود بقدرت و نفوذ انگلستان در هندوستان و در سایر ممالک اسلامی کمک می نمود.

اینرا باید گفت که تا این زمانهای اخیر مسلمانهای آسیا فقط بدو دولت مقتدر اروپائی آشنا شده بودند: روس و انگلیس. اولی را ظالم و متعدی و مخرب ممالک اسلامی که بدجال شبیه کرده بودند و او را یگانه دشمن عالم اسلامی میدانستند و این طور شناخته بودند که هیچ چیز او را قانع نمیکند و با او کنار آمدن غیر ممکن است. اما دولت ثانی که انگلیس باشد در رفتار و سیاست مخالف دولت روس و آنرا يك دولت صلح طلب و آزادیخواه و همسایه دوست شناخته بودند. دولتیکه میتوان کنار آمد و دوستی او را قبول کرد.

پروفیسور و امبری در اینجا اشاره بکلیسای انگلستان کرده گوید: در آن صنم پرستی نیست؛ انگلیسها مخالف مذاهب دیگران نیستند بهند صفات حسنه ملت انگلیس را میشمارد آنها را خون سرد آرام و ملایم و با پشت کار معرفی میکنند و علاوه کرده گوید این صفات را ترك - عرب و سایر مسلمین دوست میدارند با آنها علاقه دارند.

پروفیسور مذکور گوید: هنگامیکه من در میان مسلمین بودم و با آنها رابطه داشتم همیشه مشاهده مینمودم صفات حسنه انگلیسها را میشمارند و از آنها تعریف میکنند متاع انگلیسی را طالب هستند آنرا محکم و بادوام میدانند و حکومت انگلستان را در شرق موافق عدل و انصاف میشمارند و قتیکه من باین مسائل آشنا میشدم بحقیقت مسئله بی میبرد و میفهمیدم نفوذ و برتری حکومت انگلستان در هندوستان چیست! در واقع انگلیسها در تمام دنیا بهر چه اقدام کنند نایل خواهند شد متأسفانه رفتار اخیر کابینه آزادیخواه انگلیس بواسطه عملیات خود در مملکت عثمانی و مصر مقامی را که انگلستان در آسیا احراز کرده بودم تزلزل ساخت و روابط حسنه مسلمین هندوستان را با دولت انگلیس

تیره کرد (۱) ،

پروفسور و امبری در این قسمت از کتاب خود نوحسرائی عجیبی میکنند و بسوزی زیادی نسبت بانگلستان نشان میدهند میگویند: انگلیسها از سیاست روسها تقلید نمودند و عالم اسلامی را از خودشان رنجاندند .

من نمیتوانم بفهمم پروفسور فوق الذکر چه معامله هیزم تری با ایران داشته در هیچ قسمت از کتاب خود از ایران خوب صحبت نمیکند من تصور میکنم چون برای هرات چندین بار پافشاری کرده و برای حفظ آن کوشیده است این موضوع بطبع ظریف او گران آمده است و در هر قسمت هم که ناچار است اسمی از ایران ببرد آنرا حقیر بشمارد. در این قسمت کتاب خود که منافع اتحاد ترک و انگلیس را همیشه در علقه مسلمانهای هند را بسلطان عثمانی شرح میدهد، و بدولت انگلیس توصیه میکند عثمانی را از دست ندهد. و اتحاد خود را با آن محکم کند راجع بایران میگوید: «اما مسئله ایران آن مملکت چندان اهمیتی ندارد (۲) و نمیتواند آن منافعی را که مملکت عثمانی بانگلستان میرساند ایران هم همان اندازه مفید باشد. اما اگر شهریار ایران در خراسان از قشون روس جلوگیری کند و بگذارد روس بهندوستان حمله کند و هرگاه او غنغن کند از ایران آنزقه بآن قشون نرسانند و بآنها مساعدت نکنند. و بعلاوه تسلیم نظریات انگلستان بشود نقشه آنرا اجرا نماید آنوقت میتوان بآن امیدوار شد که نسبت بانگلستان مفید خواهد بود (۳)»

راجع بترکمن پروفسور گویند: «من تراکمنه را از نزدیک میشناسم اینها مردمان رشید و درهستند در عین حال طماع و پول پرست، و منافع روسها آنها را گمراه کرده است اما اگر منافع را با تیره انگلیس بسنجیم تفاوت از زمین تا آسمان است. هرگاه از راه سانج بتوان داخل شد تراکمنه - ساروق - سالور - مروی و سایرین بسهولت مانند عمال روسها از قبیل علی خانوف - ظاهر او ف - ناصر اف این سنخ اشخاص لازم است و آنها را

(۱) و امبری ص ۱۳۴

(۲) آفت جان من است عقل من و هوش من!

(۳) و امبری ص ۱۴۲ .

هم می‌توانند در میان نظامیان دولت عثمانی که با تراکمه هم‌کیش و هم‌زبان هستند بدست آورد. اینها در حقیقت با هم برادر هستند و همین اشخاص می‌توانند تمام تراکمه را در تحت لوای انگلستان گرد آورند.

پروفسور وامبری راجع به فنناز نیز صحبت می‌کند می‌گوید در آنجا نیز می‌توان کارهایی را انجام داد و قفقاز را بر علیه روسها شوراند از گرجی و ارمنه آنجا صحبت می‌کند بعد می‌گوید چون اینها در اقلیت هستند عقیده بآنها ندارم.

در خاتمه پروفسور از سیاه‌ون انگلستان سؤال می‌کند آیا بالاخره حاضر خواهند شد که در سلسله جبال شمال غربی هندوستان از روسها دفاع کنند؟ یا اینکه خواهند گذاشت روسها از هرات و قندهار عبور کرده در تنگه خیریا مولان از قزاقهای آنها جلوگیری کنند؟ این یک موضوع بسیار مهمی است که قابل بحث می‌باشد هنوز انگلیسها در این مرحله هستند آیا در سند، در ساحل رود هرمند، و یا کناره‌ری رود در کدام یک از این سه محل از روسها جلوگیری کنند این درست شبیه باین است که کسی بانسان حمله می‌کند و او در فکر است که با چه حربه از او دفاع کند. تا اورفته است این فکر هارا بکند همشیر طرف کردن او را زرد است انگلستان باید شمال غربی سرحد هندوستان را بدون تأمل حفظ کند چونکه روسها بدزدیکی هندوستان رسیده‌اند.

پروفسور وامبری در کتاب خود اهمیت فوق‌العاده زیادی بهرات می‌دهد و می‌گوید دولت انگلیس بهر قیمتی شده نباید آنرا از دست بدهد هر گاه هرات بدست روسها افتاد دیگر ممکن نیست که انگلستان بتواند در آنجا در مقابل روسها مقاومت کند. چاره قندهار نیز بنصف قزاقان روس خواهد آمد آنوقت است که اغتشاش در هندوستان شروع شده اسباب زحمت حکومت هندوستان را فراهم خواهد نمود. علاوه می‌کند: «همینکه روسها مالک هرات شدند روسها آرام نخواهند نشست با انواع دسایس و حیل اسباب اغتشاش هندوستان را فراهم خواهند نمود پس صحیح آنست قبل اینکه هرات بدست روسها افتد وسائل نگاهداری آنرا فراهم کنند» (۱)

در سال ۱۳۰۳ - ۱۸۸۵ دیده می‌شود کابینه کلداستون ناچار شده به سرحدات شمال

غربی هندوستان هم توجه کند ناچار میشود از مجلس انگلستان ۱۱ میلیون لیره اعتبار بخواهد و این اعتبار مخصوص دفاع از هرات است که اگر کابینه آزاد بخواد مستر گلدستون در سر کار مانده بود بعید نبود بین دو لتین بجنگ منجر شود .

در جزو وقایع همان سال ۱۸۸۵ میخوانیم مبلغ معتنا بهی صرف سنگر بندی هرات میشود مهندسین انگلیسی برای استحکام آن مشغول ساختن قلاع و استحکامات تازه هستند همچنین در نزدیکی قندهار استحکامات جدید ساخته شد و شهر تازه با اسم تازه چمن شروع نمودند و قلاع مهم و مشہر در آنجا بنا نهادند همچنین عده هم از انگلیسها بکابل رفتند .

باز در همین اوقات بود که انگلیسها در کابل بنای اسلحه سازی و توپ ریزی را گذاشتند و عده از انگلیسیها در آن مشغول شدند .

توقف روسها در نزدیکی هرات باین شهر اهمیت فوق العاده داد خیال رجال انگلستان از این بابت آسوده نبوده کابینه مستر گلدستون در اوایل سال ۱۸۸۵ سقوط کرد کابینه لرد سائز بوری روی کار آمد حکومت این کابینه چندان درامی نکرد باز مستر گلدستون در سال ۱۸۸۶ کابینه خود را تشکیل داد ولی حرارت او برای جنگ چندان شدتی نداشت روسها نیز بمقصد خود رسیده بودند و چندان عملیاتی از خود ظاهر نمیساختند و مطمئن بودند یک روزی فرصت بدست آورده مقصود شان را انجام خواهند داد. اما از وحشت انگلیسها جزئی کاسته نشده بود و بیدار بودند و بدقت تمام مواظبت مینمودند که از طرف روسها اقدامی نشود .

اگرچه در این تاریخ عده از اروپائیهاباین نواحی مسافرت نموده اند ولی مهمترین آنها لرد گرژن معروف میباشد که خود شخصاً در سال ۱۸۸۸ به ممالک آسیای مرکزی مسافرت نمود و کتابی راجع باین مسافرت نوشته در سال بعد ۱۸۸۹ بطبع رسانید .

او نیز در کتاب خود در چندین موقع اهمیت زیادی بهرات میدهد و بدولت انگلستان توصیه میکند که از این خطر ایمن نباشد و دست از هرات برندارد .

در جای دیگر تأکید کرده گوید: بحال وسیله رسیدن روسها بسرخدات هندوستان

راه آهن است و این خط بالاخره انجام خواهد گرفت نتیجه آن قطع روابط انگلستان از آسیای مرکزی است امتداد راه آهن از تاشکند بسمرقند برای این است که از قوای نظامی نزدیک ترین ناحیه سیبری استفاده کند و میتواند بسهولت آنها را بسرحداث افغانستان برساند عده این قشون هم کمتر از آن قشون نخواهد بود که از قفقاز از راه بحر خزر سرخس برساند. اولی شهرهای بلخ - باهمیان و کابل را تهدید کند . دومی هرات و قندهار را تحت استیلاي خود قرار بدهد در این صورت يك خطر بزرگی متوجه افغانستان و انگلستان است و باید هر دو دولت متحد شده از آنها جلوگیری کنند . (۱)

خطر این راه آهن بیشتر برای انگلستان محسوس خواهد گردید و قتی که امتداد آن بطرف هرات شروع گردد و هنگامیکه روسها خواستند این خط را از عشق آباد بگذرانند هیچ نمیدانستند امتداد آن تا کجاها ممکن است برسد. این نواحی را که عبارت از ناحیه تراکمه و قسمت خاک ایران و خاک افغانستان باشد تا کجاها میتوانند پیش بروند چونکه این قسمت صاحب معینی نداشت و کسی از آن اطلاعی نداشت ولی طولی نکشید تمام این مسائل برای روسها حل شد یعنی لسان مهندس با جسارت روسها این معما را در سال ۱۸۸۱ و ۱۸۸۳ کشف کرد، و ماه - راند آنرا مساحی کرد و خود را تا پشت دروازه هرات رسانید و ثابت نمود که هیچ نوع موانع طبیعی در جلوراه نیست و بخوبی میتوان راه آهن را تا هرات امتداد داد.

تا حال انگلیسها تصور مینمودند کوههای شمال هرات غیر قابل عبور هستند بنابراین تحقیقات از دوشاخ تا سرخس راه مسطح و صاف است و از سرخس در امتداد هری رود مختصر بالا و پائین دارد ولی مانع عبور راه آهن نخواهد بود از آنجا بهرات از تپه های بادخوت گذشته بکپهان میرسد که از آنجا بجاده صاف و هموار هرات . کرزن گوید اخیراً طوری که لسان برای من تعریف نمود راه بهتری بدست آمده است آن عبارت از جاده مرو در امتداد رود مرغاب است که به جلگه پنجه منتهی میشود این قسمت بمراتب بهتر از راه اولی است و راه آهن نیز از اینجا کشیده خواهد شد .

بنا بر این ما میتوانیم معین کنیم که راه آهن روس از این راه بمرحله هرات خواهد رسید و باید انتظار آنرا داشته باشیم. در این هنگام هرات را باید از دست رفته فرض کنیم چونکه در دسترس روسها خواهد بود بلکه میتوان گفت از چنگال روس رهائی نخواهد داشت، شاید در حال حاضر صلاح خود را نبینند که تا خود هرات راه آهن را امتداد دهد چونکه یقین دارد که به محض رسیدن بهرات چنگ با انگلستان شروع خواهد کردید در این صورت انتهای خط آهن را در چند فرسخی دروازه هندوستان قرار خواهد داد که تولید زحمت نکند ولی راه مختصری باقی خواهد ماند که هر وقت بخواهند بهرات برسند.

حالیه انگلستان خود را حاضر میکند که یکروزی بیاید که هرات بدست روسها افتاده است این عمل بشکل قهر و غلبه نخواهد بود چونکه خود روسها میدانند اگر در تصرف هرات قوای نظامی بکار ببرند تردید ندارند که انگلستان اعلان جنگ خواهد داد. اما باید گفت اگر چنین کاری بشود دیگر احترام برای انگلیسها در آسیا باقی نخواهد ماند اما تردیدی نیست که حرکت روسها بطرف هرات حتمی است و برای من تعجب نخواهد بود از اینکه یکروزی راه آهن روسها را در هرات مشاهده کنم که با آنها رسیده است.

جنرال انکوف^(۱) که خلاق راه آهن ماوراء بحر خزر است در راپورت های خود اشاره میکند که راه آهن روس از افغانستان عبور نموده بر راه آهن هندوستان بقیندهار که انگلستان فعلا در صدد کشیدن آن است متصل شود. و مزایایی برای آن می شمارد که یکی از آنها مسافرت انگلیسها از لندن به هندوستان است که در مدت ۹ روز از طریق بحر خزر و هرات این راه را طی خواهند نمود و بمقصد خواهند رسید^(۲) حتی استدلال نموده گفت که تجار انگلستان نیز بخوبی میتوانند از این راه استفاده نمایند. من مکرر اشاره نموده ام که راه آهن تا هرات هیچ مانعی ندارد ممکن است کشیده شده و از هرات تا قندهار نیز که ۳۸۹ میل است موانعی وجود ندارد سر جان

(1) General Annenkoff

(2) Curzon p. 267

مکنیل^(۱) در پنجاه سال قبل این راه را معرفی نموده است و گفته است که عبور قشون به سبب سهولت ممکن است امروز نیز کشیدن راه آهن اشکالی ندارد موانع طبیعی در پیش نیست.

اما وقتی که این راه آهن بقندهار برسد تازه شصت میل راه باراه آهن هندوستان که انتهای آن در نقطه چمن است فاصله خواهد داشت.

حال باید بجنبه سیاسی آن متوجه بود این مسئله مشکلی در مسائل سیاسی است. اتصال این دوراه آهن باید بر رضایت دو طرف باشد هر گاه تنها روسها مایل باین عمل باشند رضایت کابینه لندن و پارلمان انگلیس و نظریات ملت انگلستان باید قبلاً جلب شده باشند بعقیده من هرگز شك ندارم هیچ يك از این ۳ دسته بساین عمل رضایت نخواهند داد و حتی حاضر نیستند برای يك دقیقه هم شده در آن باب فکر کنند.

يك مسئله ای که این اندازه مبهم و نتیجه آن این اندازه زیان آور است تصور نمیرود کسی در این باب حاضر بشود مذاکره کند اینکه جنبه سیاسی مسئله است. اما جنبه مالی آن من در آن نیز تردید دارم که منافع مالی برای انگلستان داشته باشد حتی کوچکترین فایده را هم برای تجارت هندوستان ما ندارد چونکه در مقابل تجارت ما فوراً سندهای محکم گمرکی دولت بیرحم روس در بازارهای عمالک آسیای مرکزی

(۲) S. r. John Me niell شرح حال این شخص در جلد اول بیان شده در زمان فتحعلی شاه طیب سفارت انگلیس بود در مسافرت عباس میرزا بشهد دثیال او رفت و در سرخی باو رسید در زمان محمد شاه وزیر مختار انگلیس بود با محمد شاه بهرات رفت در محاصره هرات حضور داشت با یار محمد خان وزیر هرات بند و بست کرد و بانها پول داد از هرات دفاع کنند تا کشتیهای جنگی انگلیس بطلیح فارس برسند و بعد محمد شاه اولتیماتوم داد که از محاصره هرات دست بردارد از آن تاریخ کاغذی به پالمرستون وزیر امور خارجه انگلستان نوشته عبور قشون را از این راه بهرات شرح میدهد و میگوید هیچ مانعی ندارد از این راه به هندوستان حمله کنند.

شرح رفتار این آدم در جلد اول بیان شده اینک در این موقع لرد گرن برابرت های او اشاره میکند همین آنرا نقل میکند.

ایجاد خواهدگردید با اینکه امروز تجارت بوسیله کاروان است روسها تجارت ما را از ممالک آسیای مرکزی بیرون کرده اند بطریق اولی با راه آهن نیز استفاده نخواهیم کرد برعکس تجارت روس بدون مانع و رادع مانند بهمن بیازارهای افغانستان - بلوچستان و هندوستان فرو خواهد ریخت مال التجاره آن به سیستان و شهرهای جنوبی ایران میل دار سرازیر خواهد شد.

آنوقت انگلستان از خواب بیدار شده خواهد دید که با دست خود کلید تجارت انحصاری خود را احیایانہ بدست روسها سپرده است.

حال فرض کنیم این دلایل و بیانات من اغراق آمیز باشد و برای انگلستان بواسطه اتصال این راه آهن يك بازار تجارت وسیعی مفتوح شده و از آن فوائد هنگفت عاید انگلستان گردد تازه این عمل نتیجه بدست خواهد رسید که انگلستان بادست خود اسباب خطر ملت خود را فراهم نموده است و اقتدار خود را از دست داده و خطر دایمی را برای خود تهیه نموده است .

البته امتداد این خط تاقندها را سرمایه دولت روس خواهد بود و در دست عمال روس اداره خواهد شد. در این صورت اگر چنین کاری انجام گردد و روسها راه آهن را تاقندها را ادامه دهند این عمل در تمام شرق بشکست قطعی انگلستان تعبیر خواهد شد و يك ضربت مهلکی است بحیثیت انگلستان که وارد آید. نتیجه دیگر آن استحکام نفوذ و قدرت دولت امپراطوری روس است تا خود قندهار که سرحد آن شناخته خواهد شد .

در صورتیکه من عقیده دارم همینکه روسها بهرات دست یافتند فوراً باید دولت انگلیس قندهار را قبضه کند آنوقت راه آهن طرفین روبرو واقع شده باین وسیله دشمن تاریخی ما یکماه راه بیش افتاده است. آنوقت ما با روسها هم سرحد واقع شده ایم دیگر فرصت برای هیچ طرف باقی نخواهد ماند بجزئی اختلاف نظر بین کابینه لندن و پترزبورغ باید سرحد هندوستان کاملاً محفوظ باشد آنوقت لاچاریم فوری يك عده قشون مکمل با مهمات کافی در سرحد خود داشته باشیم و این کاریک تحمیل فوق العاده است که بر مالیه هندوستان وارد آمد و در این صورت باید بقشون هندوستان علاوه نمود و بودجه آن

زیاد گردد تمام اینها ضرر هائی است که از اتصال راه آهن و افتادن هرات بدست روسها پیش خواهد آمد بنا بر آنچه که گذشت من امیدوارم این پیشنهاد طرفدار پیدا نکند و انگلستان از این شر و خطر ایمن بماند.

تا امروز رجال مهم و سیاسی دولت روس اهمیت زیادی بناتاشکنند میدادند و آنرا مرکز عملیات نظامی و سیاسی قرار داده بودند؛ اگر در خاطرها باشد درست در همان اوقات که انعقاد کنگره برلین در کار عمل بود مناسبات دوئین روس و انگلیس بی اندازه در سر مسائل عثمانی تیره شده بود در همان موقع بود که روسها متجاوز از بیست هزار نفر قشون با مهمات کافی از تاشکنند حرکت داده بطرف سرحدات افغانستان اعزام داشتند این قشون بفرمان جنرال کافمن از سمرقند عبور نموده بجهان رسید که نقطه سرحدی بخارا است. همچنین در همین موقع بکستون قشون دیگر از تاشکنند در صحت فرماندهی جنرال ایبراهوف از راه پامیر حرکت نموده بقصد کشمیر عازم شدند و در این تاریخ از تاشکنند خود جنرال استولیوف از طریق جیحون و هندوکش مأمور کابل شد در آن روزها طریق دیگری برای حمله هندوستان در پیش پای روسها نبود که بتوانند بسهولت بپند برسند ولی امروز راه هرات بهترین وسیله ای است که روسها میتوانند باسانی خودشانرا بپند برسانند.

اما امروز چنین نیست تغییرات کلی رخ داده راه نزدیک شده و وسائل فراوان و اسباب کار از راه هرات بخوبی مهیا است. نقاط کوی تپه - عشق آباد - سرخس - مرو - پنجده تماماً بدست روسها افتاده و اینک هرات در زیر پای آنها است.

حالیه عشق آباد جای تاشکنند را گرفته مرکز عملیات آنها است و فرمانفرمای ترکستان امروز بر خود میبالد که مالک کلیدهای هندوستان گشته. هندوستانی که جزو جواهرات گرانبهای تاج امپراطوری انگلستان میباشد.

قشون روس در عشق آباد و سرخس و مرو مرکزیت پیدا کند در پل خواتون و پنجده بیش فراوان آن برقرار شوند که تقریباً پشت دروازه هرات است و یک چنین راه آهن در اختیار آن قشون باشد و یک چنین قلاع محکم بنا کرده حاضر داشته باشد. آن وقت که راه کوییده شده جهانگیران عالم از اسکندر کبیر تا نادر شاه افشار زیر پای آنها افتاده

باشد برای حمله هندوستان دیگر هیچ اشکالی وجود نخواهد داشت (۱) .
 در این تاریخ اردگرزن اظهار نگرانی زیاد میکند میگوید در ده سال قبل یعنی
 در سال ۱۸۷۸ اگر جنرال کافمن میتواند هندوستان حمله کند روابط قشون او با مرکز
 نظامی آن که در آن تاریخ در اورنبوغ مرکزیت داشت قریب دو هزار میل راه بکلی قطع
 میشد و ممکن نبود بتواند در این مسافت زیاد آن روابط را حفظ کند علاوه بر این
 میبایست از جیحون عبور کند و از سلسله کوه هندوکش بالا برود تا بتواند خود را بکابل
 برساند. تازه موانع طبیعی دیگر در مقابل این قشون بود آنها عبارتند از سلسله جبال
 سلیمان و سفید کوه، ولی امروز چنین نیست قشون روسیه از راه رودولکا در اختیار اوست
 قشون قفقاز در دسترس میباشد راه آهن هاوراء بحر خزر برای حمل قشون و
 مهمات حاضر و آماده است و بهسولت میتواند هرات را متصرف شده تا رود هیرمند پیش
 قراولشان برسد .

اردگرزن در موقع تاریخی را شاهد آورده سال ۱۸۷۹ و در سال ۱۸۸۵ را تطبیق
 میکند و میگوید چگونه اوضاع فعلی برای روسها مساعد شده ! و چگونه هرات در
 تهدید روسها واقع شده است ! در این باب مینویسد: «در بهار سال ۱۸۷۹ نزدیکترین محلی
 که قوای روس در آن متحرک میشود نقطه گراسنودسک واقع در ساحل شرقی بحر خزر
 بود که تا هرات هفتصد میل یا دویست فرسنگ راه بود. در این وسط قبایل وحشی جنگی
 زیاد مسکن داشتند که تازه فتوحات آنها در شکست جنرال لوماکین آنها را جسور و
 مشهور کرده بود و در همان تاریخ نیز اتکلیسها قندهار را متصرف شده بودند و تا هرات
 که نقطه مهمی میباشد فقط دویست و نود میل راه بود و باین لحاظ اتکاستان بهرات
 ۳۶۰ میل نزدیک بودند و بهرات زودتر میتوانند خودشان را برسانند.

اما در سال ۱۸۸۳ قبل از اینکه هر دو متصرف روسها در آید و راه آهن هنوز از نقطه
 قزل اریات تجاوز نکرده بود در همین موقع چارلز مکگریگور که در آن تاریخ مقام
 ارجمندی در حکومت هندوستان دارا بود در این باب این طور مینویسد: «من اکنون
 مشغول تهیه دوره پرت مهم میباشم یکی اینکه چطور میبایست بقوزیت ده هزار نفر

قشون در هرات حاضر داشته باشیم، دیگری چگونه روسها میتوانند همین عمل را انجام دهند. ما امروز با آنها مساوی هستیم و میتوانیم بر روسها غالب آئیم اما هر روزی که تأخیر افتد بر ضرر انگلستان است.

لرد گرزن علاوه نموده گوید: «حال قریب دو سال از آن تاریخ گذشته است و مشاهده میشود که پیش آمد کمالاً بر ضررهاست چه پیش گوئی بموقع این شخص نموده است. در اپریل ۱۸۸۵ هر دو مملکت مستعد جنگ و ستیز بودند حال اوضاع یکلی دیگرگون شده پیش قراولان روس بنقطه سرخس رسیده اند که فاصله آن تا هرات یکصد و هفتاد میل است و قزاق روس پل خاتون را متصرف شده این نقطه تا هرات یکصد و سی میل راه است بر عکس انگلیسها عوض اینکه راهرا بهرات نزدیک نموده باشند دورتر کرده اند. از عقب نشسته به نقطه گوئنا آمده اند که تا هرات یکصد و سی میل فاصله دارد بنا بر این عقب نشینی بقیح روسها تمام شده است. باز هم میتوانیم تفاوت امروزی را مقایسه کنیم الساعه ستون علامت سرحدی نمره ۲۳ در محل موسوم به چهل دختران نصب شده که تا هرات فقط ۴۵ میل راه است.

خلاصه قدرت و نفوذ امپراطور روس برای تصرف این نواحی که هرات نیز شامل آن میباشد بطور صحیح بسط و توسعه پیدا نموده است و این فرصت از دست انگلستان خارج شده بدست روسها افتاده است حال تصرف هرات از طرف روسها دیگر محتاج به جنگ نیست فقط بایک حرکت میتوانند آن شهر را قبضه کنند.

در قدم اول این کار عملی خواهد شد مثل اینکه مقدر شده است. این است که بواسطه احداث راه آهن در این نواحی تمام آنها را در اختیار روسها گذاشته است اگر فردا جنگ بین روس و انگلیس شروع شود بدون درنگ روسها از دو خط معین حمله خواهند نمود اول بوسیله راه آهن ماوراء بحر خزر و هرات و دوم از طریق سمرقند و کرکی واقعه در کنار رود جیحون که داخل افغانستان شده بکابل حمله خواهند نمود ممکن است طریق سوئی نیز داشته باشد آنها از طریق سلسله جبال پامیر خواهند بود آنها هم بطرف کشمیر.

در سال ۱۸۸۳ که دفاع از سرحدات هندوستان بعهده سرچارلز مکگریگور بود

به مازور ناپیر که حفظ سرحدات و هواظبت از همسایگان بعهده او بوده مراسله مینویسد که برای اهمیت آن در این جا قسمتی از آن نقل میشود: در این مراسله دستور میدهد میگوید:

«خیلی بموقع و مفید خواهد بود هرگاه بتوانید يك مطالعات دقیقی نموده يك راپرت جامعی تهیه نمائید که چگونه دولت امپراطوری روس میتواند بیست هزار قشون مکمل در هرات حاضر کند؟ البته حساب آن باید بدقت مطالعه شده باشد که از کجا این قشون حرکت خواهد نمود و در کجا بکشتی درآمده در چه مدت و در کجا از کشتی پیاده خواهند شد و از کدام راه به هرات خواهند رسید. فرض کنید (اول) دولت ایران با این عده بیست هزار نفری قشون روس موافق و مساعد باشد (دوم) هرگاه دولت ایران عوض مساعدت، خود را بی طرف اعلان کند (سوم) دولت ایران از بی طرفی صرف نظر کرده و بر ضد آنها قیام کند علاوه بر اینها احتیاجات این قشون چیست؟ اسباب و بنه آنها بچه وسیله حمل خواهد شد؟ فرض کنید دو باطری توپ سنگین نیز همراه این قشون باشد. البته لازم است این مطالعات را کاملاً دقت نموده راپرت جامعی تهیه خواهید نمود سعی خواهید کرد که به محض حرکت روسها وسائل قابل اعتمادی داشته باشید که بشما اطلاع بدهند.» (۱)

در این تاریخ علاوه بر اینکه هرات اهمیت فوق العاده نظامی پیدا کرده بود بی طرفی و مساعدت و یا مخالفت دولت ایران نیز مورد توجه اولیای امور انگلستان بوده در این موقع که روابط دولتمننها درجه تیره شده بود ایران هم در وسط فشار دو طرف واقع شده هر يك بنوبه خود جدیت مینمود دولت ایرانرا بطرف خود جلب کنند. فرق نداشت اگر از قوای مادی ایران تمسید استفاده نظامی نمود اقل مساعدت معنوی ایران کفایت بود که بقوای جرفین آنوقت برساند.

باینکه دولت ایران مدام و همیشه روی موافقت و درستی بدولت انگلیس نشان میداد باز مأمورین نظامی حتی سیاسیون انگلستان، اعتماد بدولت ایران نداشتند. میتوان گفت بطور کلی هیچ وقت با ایران اعتماد نمیکردند آنها عقیده داشتند تا که بدوستی

و مساعدت دولت ایران از محالات است.

لردگرن در این باب اظهار عقیده کرده گوید: «تا روسها از بی طرفی ایران مطمئن نشده باشند یا آنکه از آنها قول مساعدت نگرفته باشند هرگز در این قسمتها با دولت انگلیس داخل جنگ نخواهند شد. علاوه بریک از سیاستون انگلیس که بخواهد تکیه بر دوستی دولت ایران نموده مساعدت آرا برای کمک با انگلستان تصور نماید ملت خود را گول زده خیالات واهی نموده است این تصور دلیل محکم و اساس متین ندارد.» (۱)

در این جاگرن داخل در موضوعات قوای نظامی دولت روس شده عده قوائیکه روس میتواند برای حمله هرات حاضر کند شرح میدهد در خاتمه آن مینویسد: «وسائل حمله قشون در این نواحی حاضر و مهیات هرات میتواند بهرات و ترکستان حمله کند و آنها را اشغال نماید ولی این نیت را ندارد که متعاقب آن بقندهار یا هندوکش حمله کند هرگز چنین عملی نخواهد کرد این اقدام بعدی مقدمات دیگر خواهد داشت فعلاً خطر برای شهر و نواحی هرات است که بدست قشون روس افتد. دولت انگلیس باید با این خطر رو برو شود. عجبالتاً راه آهن ماوراء بحر خزر یک برتری دارد که وسائل اعزام نظامیان روسها را بهرات فراهم نموده است. دولت انگلستان افلا یکصد هزار نفر قشون باید حاضر و آماده داشته باشد تا بتواند در هرات - بلخ و بامیر از روسها جلوگیری کند. ما انگلیسها در سقوط خیوه - خوقند - عشق آباد و مرو و پنجده بدون اینکه اقدام اساسی کرده باشیم نشسته فریاد را بلند کردیم بعد با چشم باز دیدیم چگونه تمام شهرها و نواحی بتصرف دولت امپراطوری روس درآمد و در هر یک از این پیش آمدها رفتار ما بسیار خجالت آور بود.

قریب پنجاه سال است نویسندگان انگلیس فریاد زده دولت خود را متوجه کرده اند که هرات را حفظ کنند. اقتادن هرات بدست نظامیان روس یا ضربت مهلکی است که سیاست شرقی انگلستان وارد آمده است. من یقین دارم با یک روزی این ضربت وارد خواهد آمد. ماهنوز از خواب غفلت بیدار نشده ایم و میدانم شمشیر بر طایای کبیر

ازغلاف بیرون نخواهد آمد .

اینک خوب میتوان با اهمیت هرات پی برد . در اینجا لازم بود از موقعیت هرات صحبت شود ایرانی بدانند اهمیت و موقعیت هرات در نظر رجال انگلستان و روس تا چه حد بوده و هست ، بخاطر بیابوردی چگونگی هرات انگلیس مدت پنجاه سال کوشید تا اینکه هرات را از ملکیت ایران خارج کرد .

حال ملت ایران باید مواظب باشد که در استان - خوزستان - خلیج فارس
باقی مانده بلوچستان و سیستان از ید ملت ایران خارج نشود .
هر که نامعت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار .

فصل پنجاه و ششم

ایران در عداوت میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان

امنیت داخلی - اوضاع در بار ایران - نظر اجمالی بدوره طولانی ناصرالدین‌شاه - اهمیت ایران در نظر خارجی - رجال درباری ایران فاقد صفات وطن پرستی بودند - اشاره به معاهده آخال - اهمیت ایالت خراسان در نظر دولتین روس و انگلیس - تقاضای دولتین برای ایجاد قونسولگری در مشهد - اثرات ایجاد قونسولگری دولتین در ایالت خراسان - اشاره بمسافرت لرد گرنز بایران - نظر لرد گرنز به خراسان و سیستان - پیشنهادات لرد گرنز - گرنز از اهمیت خراسان صحبت میکند - نظر دولت روس را نسبت به خراسان شرح میدهد - اولین اقدام قونسول جنرال دولت انگلیس در مشهد - موضوع هشتادان - گزارش قونسول جنرال انگلیس - موضوع اختلاف ایران - افغانستان در حدود هشتادان - انگلیسها مانند فرشته صلح برای حل اختلاف ایران - افغانستان حکم واقع میشوند - ماکلیان قونسول جنرال انگلیس مقیم مشهد حکم واقع میشود - ماکلیان نیز مانند گلدا سمود در قضیه بلوچستان و سیستان قضاوت میکنند - داستان آن - میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان - شرح حکمیت درباره جنگه هشتادان - امتیاز کشتیرانی در رود کارون - گرنز از نفوذ قابل اهمیت دولت انگلیس در ایران

تغییب میکنند - فرمان کشتی رانی در رود کارون - ولف در ایران و ایجاد دوستی با اتابك اعظم - امتیازاتی که ولف در ایران از اتابك بدست آورد - از روابط ایران و انگلیس دولت روس متوحش میشود - مقایسه عمل اتابك با میرزا حسین خان سپهسالار - مکاتبه بین دولتین روس و انگلیس در باب ایران - وقایع سال ۱۸۷۳ میلادی مطابق ۱۲۸۹ هجری قمری عیناً در سال ۱۸۸۸ میلادی برابر سال ۱۳۰۵ هجری قمری تکرار میشود - بجای میرزا حسین خان سپهسالار میرزا علی اصغر خان اتابك اعظم است - بجای استویك و آلیس سر هنری دروموند ولف قرار گرفت

اینك میرسیم بسالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه، در این سنوآت دیده میشود ایران در ظاهر امن و در همهجا آرامش و امنیت برقرار است و ملت ایران نیز در تحت نفوذ و اقتدار این پادشاه راحت و آسوده امرار معاش میکند ولی باطن امر اینطور نیست حقیقت این است که در سنوآت اخیر قرن نوزدهم بلکه میتوان گفت پس از مرگ میرزا تقیخان امیر کبیر ایران رو به فقر و زوال میرفت از سلطنت ناصرالدین شاه جز اسم در بین نبود فقط ظاهر شاهی او آنهم در انظار داخله يك جلوه مختصری داشت ولی مطلعین با وضاع و احوال ایران میدانستند بعد از صدارت میرزا آقاخان نوری و میرزا حسین خان سپهسالار برای دولت ایران شأن و شوکتی باقی نمانده بود اعتبارات مالی و نظامی آن بدرجه صفر رسیده است.

پنجاه سال سلطنت ناصرالدین شاه جز در آن چند سال اولیه که زمام امور بدست امیر کبیر میرزا تقیخان بوده باقی ایام آن در هیچ رشته از امور مملکتی آثار و علایم اصلاح یا ترقی پیدا نخواهید نمود مثل این که گوئی در مدت نیم قرن چشم و گوش ملت ایران بسته و دور مملکت ایران نیز يك حصار آهنین کشیده شده است که کسی از سکنه ایران نبیند و نداند و تفهید که مقدرات این ملت و مملکت بدست چه کسانی حل و عقد میگردد.

دوره شاه و درباریان بخوبی و خوشی میگذشت ولی مملکت رو به فراری و ملت

به طرف جهل و نادانی رانده میشوند این دوره بدترین ادوار زندگی ملت ایران است که در هیچ دوره اوضاع و احوال آن این اندازه خجالت آور نبوده و در هیچ دوره اینقدرها در انظار خارجی کوچک و بی اعتبار نبوده است. در این تاریخ اعمالی از شاه و درباریان سرزده و یادگارهایی از آنها باقی مانده است که هر خواننده تاریخ این عصر بی اختیار بر آنها نفرین کرده لعنت میفرستد.

در این دوره از شاه گرفته تا کوچکترین عضو درباری بدون استثناء دنبال نفع خویش و در پی یک زندگی پرازعیش و نوش و خوش گذرانی بودند چیزی که در فکر نبود فکر مملکت و فکر ملت.

در این دوره پنجاه ساله است که قوای مادی و معنوی ایران بکلی تحلیل رفته نفوذ اجانب زیاد شده امتیازات فراوان بدون ملاحظه منافع و صلاح ملت و مملکت بخارجیها داده شده است.

در عصری که جهانی ب فکر ترقی و تعالی است ایران بواسطه بی علافگی تصدیقان امور در جاده فنا و زوال افتاده است. با اینکه ممالک مستقل آسیا را هر روزه مشاهده مینمودند و بگوش میشنیدند چگونه و بچه وسیله استقلال آنها دستخوش دول طماع میشود و ممالک پهناور آسیا بچه سهولت در تحت استیلای اجانب واقع میشوند با اینکه اینکار را نمیدیدند و میشنیدند هرگز ب فکر آن نمی افتادند که سرو صورتی با اوضاع پریشان ایران بدهند یا قوای برای دفاع تهیه کرده روح وطن پرستی و استقلال طلبی را در ملت ایجاد کنند علم و دانش را در مملکت رواج دهند تجارت داخلی را رونقی داده مملکت را از فقر و پریشانی نجات بدهند. اینها و این قبیل کارها انجام نمیشد و هرگز ب فکر نبودند انجام دهند آن مختصر و جوهی را هم که بواسطه فروش خزائن طبیعی و سول میشد صرف خوشگذرانی میکردند اگر باقی مینداشت آن هم در اروپا بمصرف میرسید و چیزی که از اروپا بر معان آورده در مملکت رواج میدادند صفات زشت و ناپسند اجانب بود که پس از مراجعت در میان خانواده های درجه اول و دوم بطور کامل از آنها تقلید میشد.

من در این فصل بمختصر اشاره از اوضاع و پیش آمدها قناعت خواهم کرد چه

پیش آمدهای داخلی آن چندان قابل توجه نیست و اثراتی نداشته که قابل مطالعه باشد جنبش در ایران نبوده که بتوان در اطراف آن تحقیقات نمود شاه جز خوشگذرانی کلری نداشت در دربار جز دلقک بازی و مسخره مشغولیتی نداشتند وزراء مملکت هم که هر يك دارای عناوین و القاب دور و دراز بودند که باول و آخر اسامی شان بسته بودند، موضوعی نداشتند که حل و عقد کنند جز اینکه هفتۀ یکی دو بار دور هم جمع شده بعد از صرف چای و قهوه و قلیان متفرق شوند و هر چند سالی هم همراه شاه بفرنگ رفته شبها در تماشاخانه‌ها و جاهای عیش و سرور بگذرانند بطور خلاصه میتوان گفت این بود اوضاع و احوال اولیای امور ایران در سنوات اخیر سلطنت ناصرالدین شاه.

اما موضوع ایران در خارج از دایرۀ نفوذ شاه و درباریان و وزراء اهمیت داشت موقعیت جغرافیائی آن مورد توجه همسایگان بوده قوای معنوی آن باعث حسد شده کوششهای زیاد در این موضوع بعمل می‌آمد که طرف استفاده قرار بدهند . ایران در جنگ و ستیز های آینده جهانی دارای اهمیت فوق العاده بود برای جلب اولیای آن سعی های بلیغ میشد منتها اولیای امور قابل نبودند که آنها را پیازی بگیرند. بدبختی بزرگی که برای ایران پیش آمده بود نبودن رجال پاکدامن و وطن پرست بود که از اوضاع و احوال جهانی مطلع شده مقام ایران را در این میان تمیز بدهند و منافع آنرا برای آینده حفظ کنند و حیثیت آنرا محفوظ داشته نیروی قابل ملاحظه ایجاد کنند . مالیه آنرا نگذارند صرف هوی و هوس شاه و شاهزادگان و درباریان گردد يك چنین رجال باك و بی آلاشی دیگر در ایران وجود نداشت که قابل احترام خودی و بیگانه باشد. رجال همسایگان بآنها اعتماد نموده نسبت بآنها ایمان داشته باشند. یکی از علل عمده خرابی ایران ناشی از این يك مسئله است که رجال آن فاقد صفات مردان وطن پرست بودند این نوع رجال قابل این نیستند که اسباب سعادت ملت و مملکت خود باشند این مسلم است هیچ مملکتی بدون داشتن رجال وطن پرست آباد نمی شود و ترقی نمی کند و قابل احترام و ملاحظه جدی

همسایگان واقع نمیشود متأسفانه در این سنوات ایران از این حیث فوق العاده فقیر بوده است.

در فصل ۴۸ سوانح ابرانرا تا معاهده آخال که بین روس و ایران بسته شد، شرح دادم این معاهده در سال ۱۲۹۹ - ۱۸۸۱ باضا رسید شاه و درباریان يك نفس راحت کشیدند باین امید که خطر روس تمام شده يك سرحدی معین بین متصرفات روس و ایران بوجود آمده است ولی این نفس راحت در اثر بی قیدی بمملکت و بی علاقگی بنواحی آخال و مرو و شمال و شرق خراسان بود و با این قرارداد دولت ایران حق حاکمیت خود را بتراکمه و اراضی آنها در سواحل شرقی بحر خزر از دست داد و در شمال خراسان دشت وسیع و جلگه تجن از تحت اختیار ایران خارج شد. مرو بطور دائم از تصرف ایران خارج گردید و روسها را در این نواحی آزاد گذاشتند.

هرگاه رجال مآل اندیش و علاقمند در آن تاریخ در دربار ایران وجود داشتند نمی گذاشتند این قسمتها از اختیار دولت ایران خارج شود. يك قوه قابل احترامی تشکیل داده این نواحی را امن و راحت مینمودند که بپناه بدست دیگران ندهند. خود که این عمل را انجام ندادند روسها را هم دعوت کردند آمده شر تراکمه را از دوش آنها بردارند و آنها را تأدیب کنند. ایران در این تاریخ يك چنین رجالی داشت!

در این تاریخ خراسان بواسطه نزدیک شدن روسها بهرات اهمیت زیادی پیدا کرده بود. هر دو دولت روس و انگلیس، سیاست خودشان را در خراسان مرکزیت داده بودند مبارزه دولتی در این ایالت بیش از هر جای آسیا شدت پیدا کرده بود، در این تاریخ روسها مالک پنج ده شده مشغول استحكامات این نواحی بودند و انگلیسها نیز بقیه داشتند روسها دیر یازود بپهر عنوانی شده هرات را مالک خواهند شد بهمین نظر در هرات جدیدت مخصوص مصروف میداشتند قلاع و سنگرهای متین برای حفظ هرات براهنمائی مهندسین انگلیسی ساخته میشد و خراسان نیز کاملاً طرف توجه هر دو دولت شده بود.

موضوعیکه بیشتر تعقیب میشد و اصرار داشتند عملی بشود آن تعیین قوسولگری

دولتین بود که در مشهد برقرار شود. دولت انگلیس مدت زمانی بود که مأمورین مخصوص بخراسان اعزام میداشت این اشخاص صاحب منصبان آزموده بودند از فنون نظامی و سیاسی بهره وافی داشتند. برای اینکه در خراسان مخصوصاً در مشهد که يك مرکز مهم شیعه است و مرقد امام رضا (ع) در آن شهر است، ممکن نبود اروپائیا بطور دایم بتوانند متوقف باشند ناچار بودند مدام در گردش باشند و در یکجا مقیم نمی شدند. چنانکه قبلاً نیز اشاره شده این مأمورین در نواحی خراسان دور زده هر چند ماهی در نقطه متوقف میشدند و توقف طولانی در يك محل مخصوصی صلاح نمیدانستند کارهای سیاسی و دادن اطلاعات را بعهده آژانهای مسلمان واگذار نموده ولی معاهده آخال که بین دولتین روس و ایران بسته شد در فصل هشتم آن قید شده بود که دولت روس میتواند برای جلوگیری از تمديات و غارت تیرا که و رسیدگی بامور آنها مأمورین مخصوص در نقاط سرحدی بر قرار کند. اینک دولت روس باستناد این فصل از دولت ایران تقاضا داشت که بکنفر قونسول جنرال روس در مشهد تعیین نماید و دولت ایران باین عمل رضایت نمیداد تا اینکه در سال ۱۳۰۴ - ۱۸۸۶ ناچار شده قبول کرد که قونسول روس در شهر مشهد مقیم باشد انگلیسها که در دنباله این فرصت بودند و منتظر بودند که روسها اقدام نموده نتیجه بگیرند خود آنها نیز این تقاضا را بنمایند قبل از اینکه قونسول روس بمشهد برسد قونسول انگلیس بنام مکلیان^(۱) بست جنرال دولت انگلیس در مشهد معین گردید و هنوز قونسول روس وارد نشده بود که قونسول جنرال انگلیس در مشهد مشغول کار شد بعدها ولاسوف^(۲) قونسول جنرال روس که در رشت همین سمت را دارا بود بمشهد اعزام شد و قونسولگری دولت روس را در آن شهر برقرار نمود.

تعیین قونسولگریهای دولتین در مشهد ابتدای ایجاد فتنه و اغتشاش و هرج و مرج در شهر مشهد و ایالت خراسان بود. چه مقصود طرفین حفظ منافع سیاسی خودشان است آنها در میان ملتی که بسوظایف ملی خود آگاه نیست و از نیات سوء همسایگان

(1) Maclean

(2) M. Vlassof

حرب و طماع بی اطلاع است البته پر معلوم است اوضاع واحوال این دیار بجهه حالی خواهد افتاد بمحض ایجاد قونسولگری دودسته در میان نفع پرستان داخلی پیدا شدند باسکنه ساده لوح و طوایف دور و نزدیک ایالت خراسان روابط خصوصی برقرار کردند از این بیعد دیگر خراسان را میتوان مرکز فساد و اغتشاش نامید آرامنه و قفقازیه و عده از سکنه نفع پرست دول گرد قونسول روس را احاطه کردند، تراکمه و سایر اوپاش در اطراف و حوالی قونسولگری انگلیس چانه زدند و هر یک از این آقایان انگلیس و روس جد داشتند دولت متبوع خود را بیشتر متفق و با اقتدار و دارای شأن و شوکت معرفی نمایند.

درست معارف همین سال است که تراکمه بنای شورش و بغیگری رامیگذارند اغتشاش آنها بقدری بالا گرفت که دولت مجبور شد ۱۳ هزار نفر قشون بعلاوه يك عده سوار نیز از ایالات اطراف خراسان در تحت فرماندهی خوانین قوچان و بجنورد بر سر کوی آنها اعزام دارد.

این اغتشاش متجاوز از یکسال طول کشیده تا اینکه دولت ایران توانست آشوب وقتنه های آنها را خاموش کند. (۱)

پس از این تاریخ دولت ایران عدام در امیر آباد - بجنورد - قوچان - کلان - سرخس - خواف - حتی در سیستان همیشه در زحمت بود يك ساعت از نگرانی آسوده نبودند و میدانستند که بواسطه نزدیک شدن روسها بهرات و افغانستان خیال انگلستان راحت نخواهد بود آنها نیز بعد از برقرار نمودن قونسولگری خود در خراسان نظریات سیاسی خودشان را در آن ایالت که مجاور افغانستان و هندوستان است بموقع اجرا خواهند گذاشت.

در سال ۱۳۰۷ - ۱۸۸۹ لرد گرزون معروف بخراسان سفر نمود و از راه عشق آباد داخل ایالت خراسان شد این شخص معروف تاریخی که یکی از رجال سیاسی و با استعداد اوایل قرن بیستم انگلستان محسوب میشود. مسائل سیاسی خراسان را بدقت مطالعه

(۱) لرد گرزون گوید، نصف مخارج و حقوق سر بازارها که از طهران میرسد مداخله میکند

نموده در جلد اول کتاب معروف خود که مکرر بآنها در این صفحات اشاره شده است بشرح آن مسائل میپردازد.

لرد گرزن قریب دوست صفحه از جلد اول کتاب خود را وقف مسائل خراسان و سیستان میکند و این ایالت را نقطه فرض میکند که سیاست دولتین روس و انگلیس در این نقطه تمرکز یافته است و باینکه طرز مخصوصی که منحصر بخود اوست منافع دولتین را در این ایالت شرح میدهد میگوید: «فعلاً روسها در این ایالت بواسطه راه آهن ماوراء بحر خزر خود تفوق پیدا نمود و حالیه عرات منظور نظر آنهاست. برای اینکه انگلیسها بتوانند منافع خودشانرا در این نواحی حفظ کنند لازم است دولت انگلیس نیز منافع سیاسی خودشان را حفظ نموده و از دست دادن آنها جلوگیری کنند». لرد مزبور پنج طریق احتیاطی را که قابل اجراست و میتوان آنها را عملی نمود پیشنهاد میکند:

اول «نمایندگان سیاسی انگلیس باید برای این نواحی معین شوند تا اینکه آنها بتوانند راه تجارتی عمده این ایالت را که از طرف جنوب است حفظ کنند در اینجا علاوه کرده گویند: هنگامیکه من در بندر عباس بودم یک نفر اروپائی در آنجا وجود نداشت کارهای تجارتی دولت انگلیس بدست یک نفر بومی غیر رسمی انجام میشد که نماینده تجارتی انگلستان حساب میشد. لازم است در کرمان و یزد قونسول انگلیس وجود داشته باشد این کارها را انجام دهند.

دوم: راهیکه از کرمان بطرف شمال است و در سر راه این قضاغ واقع است - راور و نهبند و تون این يك راه عمده از خلیج فارس بشهد است این راهرا میتوان با مختصر مخارجی آباد کرد و جاههای کور شده آنها پاك نمود و آب در آورد و بکار انداخت این يك راه خوبی است. در سابق آباد و معمور بوده حال لازم است آباد شود.

سوم: راه بلوچستان انگلیس بسرخد ایران است که هیچ بخاک افغانستان مربوط نیست یعنی راه کوئتا (کوئته) - سیستان - بیرجند. این يك راه قابل استفاده است که بوسیله آنرا میتوان به نفوذ تجارتی انگلیس و هندوستان توسعه داد.